

ماده ۱: دادگاههای نظامی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد

زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند، رسیدگی می‌کنند:

الف - کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته.

ب - کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته.

ج - کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

د - کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته.

ه - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

و - کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن.

ز - محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزش نظامی و

انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای

مسلح.

ح - کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و

طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب

می‌شوند.

تبصره ۱ - جرایم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمانهای دیگر خدمت

می‌کنند در دادگاههای نظامی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرایم زمان اشتغال نمی‌شود.

نکته:

۱- چون برابر ماده ۸ ق. دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ دادرسی نظامی در معیت دادگاه نظامی انجام وظیفه می کند در نتیجه، در ماده یک متعرض دادرسیهای نظامی نشده و به ذکر دادگاههای نظامی اکتفا شده است.

۲- برابر تبصره «۱» ماده (۱) ق. دادرسی نیروهای مسلح: «منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیتهای نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است، مرتکب گردند.»

۳- اولاً: ماده یک چون در مقام بیان صلاحیتهای شخصی است و نه احصای صلاحیتهای، در نتیجه، صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی به موارد مندرج در این ماده محدود نمی شود و برابر اجازه تفویضی حضرت امام (ره) و اجازه تنفیذی مقام معظم رهبری، سازمان قضایی برای رسیدگی به جرایم کارکنان وزارت اطلاعات و جرایم حین خدمت و امنیتی نظامیان^(۱) همچنان صالح به رسیدگی است. ثانیاً: بیان صلاحیتهای از وظایف قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح است که این قانون هنوز تصویب نگردیده است.

ثالثاً: اجازه‌های تنفیذی مقام معظم رهبری همواره ناظر بر ضرورتها و مصلحت‌هایی بوده که در قوانین عادی به آنها پرداخته نشده بوده است. بنابراین، تا زمانی که معظم له این مجوزها را منتفی ندانسته‌اند همانند سابق به قوت خود باقی خواهند بود.

۴- جرایم پرسنل وزارت اطلاعات تنها در دو مورد در سازمان قضایی رسیدگی می شود:^(۲)

الف - جرایم مربوط به تخلف پرسنل اطلاعات از وظایف قانونی آنان؛

۱ - مراجعه شود به استجازه حضوری مورخه ۷۳/۱۱/۱۱ ریاست وقت قوه قضاییه مستند به نامه شماره ۷۳/۲۹۹/۴ م - ۷۳/۱۱/۲۰ معاون اجرایی رئیس قوه قضاییه.

۲ - مراجعه شود به استجازه مورخه ۶۶/۹/۳۰ وزیر وقت اطلاعات از محضر امام و نامه شماره ۱۱۶۸ - ۷۰/۱۰/۱۹ دفتر مقام معظم رهبری
 دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م. * * * * *

ب - سایر جرایم آنان در مواردی پرونده مربوط مشتمل بر اطلاعات طبقه‌بندی شده و اسرار جمهوری اسلامی باشد.

۵- صلاحیتهای مندرج در مواد (۱) و (۲) ق. تعیین حدود صلاحیت داسراها و دادگاههای نظامی کشور مصوب ۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام،^(۳) به قوت خود باقی است؛ چون اولاً: برابر نظر استفساری شماره ۵۳۱۸ - ۸۲/۷/۲۴ شورای نگهبان، قوانین دیگر نمی‌توانند مصوبه مجمع را نسخ نمایند.^(۴) ثانیاً: از آنجاکه ماده یک ق.م.ج.ن.م - در مقام نفی سایر صلاحیتهای سازمان قضایی نمی‌باشد، نمی‌توان ادعا کرد شورای نگهبان با تأیید ماده یک قانون جدید، نظریه استفساری خود را نسخ ضمنی نموده‌است.

۶ - بند «ج» با توجه به اطلاقی که دارد شامل کارکنان پیمانی و خرید خدمت نیروهای مسلح می‌شود، ولی شامل افراد روزمزد و مقطعی که قراردادی با نیروهای مسلح ندارند، نمی‌گردد.

۷- برابر ماده (۲۵) ق.^(۵) ارتش، ماده (۱۰) ق.مقررات استخدامی سپاه پاسداران^(۶) و ماده (۱۳) ق. مقررات استخدامی نیروهای انتظامی،^(۷) در صورتی به افراد عنوان محصل مراکز آموزشی

۳- ق. تعیین حدود صلاحیت داسراها و دادگاههای نظامی کشور مصوب ۷۳/۵/۶:

ماده ۱ - هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی، جرایم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می‌باشد.

ماده ۲ - جرایمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت مرتکب شده‌اند و نیز جرایم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.

۴ - نظریه استفساری شماره ۵۳۱۸ - ۸۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: هیچ یک از مراجع قانونگذاری، حق ردّ وابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتدّ به که تغییر مصلحت، موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع، ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له، موضوع، قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

۵ - ماده ۲۵ ق. ارتش مصوب ۶۶/۷/۷: محصلین، پرسنلی هستند که به منظور خدمت در کادر ثابت استخدام و قبل از انتصاب در یکی از مشاغل مندرج در این قانون در یکی از مؤسسات آموزشی به هزینه ارتش یا وزارت دفاع و سازمانهای وابسته به آنها مشغول تحصیل می‌باشند.

۶ - ماده ۱۰ ق مقررات استخدامی سپاه مصوب ۷۰/۷/۲۱: محصلین، پرسنلی هستند که به منظور خدمت در کادر ثابت به عنوان پاسدار رسمی یا کارمند استخدام و قبل از انتصاب در یکی از مشاغل مندرج در این قانون در یکی از مراکز آموزش سپاه، یا سایر مؤسسات آموزشی به هزینه سپاه مشغول تحصیل می‌باشند.

نیروهای مسلح اطلاق می شود که مشغول به تحصیل باشند. پس در صورت عدم اشتغال به تحصیل، محصل مراکز آموزشی محسوب نمی شوند و صرف دریافت حقوق نیز ملاک نمی باشد.

۸ - وقوع جرم در زمان اشتغال به خدمت در نیروهای مسلح ملاک صلاحیت می باشد و رهایی از خدمت نیز مانع رسیدگی به جرایم زمان اشتغال نمی شود.

ماده ۲ - دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر نماید. اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود.

تبصره ۵ - در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می نماید و اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود.

نکته:

۱ - این ماده حکم کلی را در مورد تعیین مجازات بیان نموده، ولی مواد (۴۹)، (۷۶)، (۱۲۶) این قانون، حکم خاصی را بیان کرده اند که استثناً از حکم کلی این ماده تلقی می شوند.

۲- راجع به جرایمی که در این قانون ذکر شده اند صرفاً مقررات تخفیف و تبدیل مقرر در این قانون اعمال می شود. مضاف براین، ماده (۱۳۷) کلیه قوانین مغایر را ملغاً نموده است.

۳ - اگر فعل واحدی دارای دو عنوان مجرمانه باشد یا هر دو عنوان مجرمانه در این قانون آمده اند که در این صورت، مطابق این قانون رفتار می شود یا یکی از عناوین مجرمانه در این

۷ - ماده ۱۳ ق . مقررات استخدامی نیروهای انتظامی مصوب ۷۴/۴/۲۷ : محصلین پرسنلی هستند که به منظور خدمت در کادر ثابت استخدام و قبل از انتصاب در یکی از مشاغل مندرج در این قانون در یکی از مؤسسات آموزشی به هزینه نیروی انتظامی مشغول تحصیل می باشند.

قانون آمده و عنوان بعدی در قوانین دیگر آمده در این صورت ، برابر ماده (۴۶) ق. مجازات اسلامی عمل می‌شود و به قانونی که مجازات آن اشد باشد استناد خواهد شد.

۴- با تصویب ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح قانون وصول برخی از درآمدهای دولت قابل اعمال نمی‌باشد؛ زیرا :

الف - ماده (۳۷) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح، کلیه قوانین مغایر را ملغاً نموده است.

ب - نص صریح ماده (۲) مرقوم بر این امر دلالت دارد.

ج - تبصره «۲» ماده (۳) این قانون بخشی از مقررات قانون وصول را آورده است و این حاکی از آن است که قانونگذار به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت عنایت داشته، لیکن نخواستہ تمامی مقررات آن را در خصوص جرایم نظامی لازم الاجرا بداند.

ماده ۳ - در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «تا دو سال» است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و یا به یکی از مجازاتهای ذیل، متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف - در مورد کارکنان پایور:

۱ - کسر حقوق و مزایا به میزان یک چهارم از شش ماه تا یک سال؛

۲ - جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال؛

۳- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال؛

۴ - انفصال موقت از خدمت از سه ماه تا شش ماه؛

۵ - منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین از شش ماه تا یک سال.

ب - در مورد کارکنان وظیفه:

۱- اضافه خدمت از دوماه تا چهارماه؛

۲- جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال؛

۳- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت شش ماه و حداکثر تا پایان خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از شش ماه باشد دادگاه می‌تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۱- در صورت محکومیت به منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین، تعیین محل خدمت جدید به عهده یگان یا سازمان مربوط می‌باشد.

تبصره ۲- در کلیه جرایمی که مجازات قانونی حبس تا سه ماه می‌باشد، قاضی مکلف به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی می‌باشد.

ماده ۴- در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از دو سال تا پنج سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف دهد و یا به یکی از مجازاتهای ذیل، متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف - در مورد کارکنان پایور:

۱- جزای نقدی از ده (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال؛

۲- محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال؛

۳- تنزیل یک درجه و یا رتبه؛

۴- انفصال موقت از شش ماه تا یک سال.

ب - در مورد کارکنان وظیفه :

۱ - جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

ماده ۵ - در تمام مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از پنج سال» است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف و یا به یکی از مجازاتهای ذیل، متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف (در مورد کارکنان پایور):

۱ - جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال ؛

۲ - محرومیت از ترفیع از دو سال تا چهار سال؛

۳ - تنزیل یک تا دو درجه و یا رتبه؛

۴ - انفصال موقت به مدت یک سال ؛

ب - در مورد کارکنان وظیفه :

۱ - جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال ؛

۲ - اضافه خدمت از شش ماه تا یک سال .

نکته :

۱- چون ماده (۲) دادگاههای نظامی را مکلف نموده مقررات تخفیف و تبدیل را برابر مقررات این قانون اعمال نمایند و از طرفی، ماده (۱۳۷) ق.م.ج.ن.م. کلیه قوانین مغایر را ملغاً دانسته، در نتیجه، قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت نسبت به این قانون قابل اعمال و استناد نخواهد بود.

۲- گرچه تبصره «۲» ماده (۳) در رابطه با مباشرت در جرم، ولی در رابطه با معاونت و شروع در جرایم مصداق دارد و قابل اعمال می‌باشد مصداق خارجی ندارد.

۳- برای اعمال تخفیف یا تبدیل باید برابر مقررات مواد (۳، ۴، ۵) عمل نمود و نمی‌توان از آن عدول کرد.

۴- رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ / ۱۳۷۸/۹/۹ که ناظر به بند «۲» ماده (۳) ق. نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت می‌باشد، در مورد جرایم مذکور در ق.م.ج.ن.م. نسخ ضمنی گردیده است.

۵- در تبصره «۱» ماده (۳) تعیین محل خدمتی جدید به عهده یگانهای مربوط و اگذار گردیده و از نقاط قوت این قانون می‌باشد، که باید در مقام حکم به و تبعید مورد عنایت دادگاهها قرار گیرد و دادگاهها صرفاً می‌توانند محکوم را از شهری که یگان خدمتی وی در آنجا مستقر است یا حتی علاوه بر آن، از خدمت در دیگر شهرها محروم نمایند؛ ولی نمی‌توانند محل خدمتی جدیدی برای محکوم تعیین نمایند.

۶- چنانچه یک نظامی در زمان حاکمیت قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح، به اتهام فرار از خدمت به ده ماه حبس محکوم شده باشد و با وضع قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح، در اجرای ماده (۱۱) ق. مجازات اسلامی تقاضای تخفیف مجازات نماید، چون متعاقب این تقاضا تخفیف الزامی می‌شود و با اعمال تخفیف نباید محکومیت وی بیش از

حداکثر مجازات مقرر در قانون جدید که شش ماه است باشد. در مورد این که آیا می توان مجازات محکوم را به کمتر از حداقل مقرر در قانون جدید که برابر بند «ب» ماده (۶۰) دو ماه می باشد تخفیف داد، بعضی آن را اختیاری می دانند و عده دیگر الزامی و در هر صورت تعیین مجازات کمتر از حداقل مقرر در قانون جدید منعی ندارد و با اصول و موازین حقوقی سازگارتر است.

۷ - از آنجاکه قانون جدید از نظر مجازات نسبت به قانون سابق اخف است، ولی از نظر اعمال کیفیات مخففه اش می باشد. در خصوص اعمال تخفیف دو نظریه وجود دارد:

الف) تخفیف مجازات و ذکر جهات مخففه برابر ماده (۲۲) ق. مجازات اسلامی^(۸) و ماده (۳) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح سابق بلامانع است؛ هر چند که این نظام از نظر حقوقی قابل دفاع نمی باشد؛ ولی به عدالت نزدیکتر است.

ب) در مورد تخفیف مجازات باید به قانون جدید استناد و برابر آن رفتار شود.

۸ - با توجه به اینکه در بند «۳» قسمت «الف» ماده (۴) و بند «۳» از قسمت الف ماده (۵) تنزیل یک تا دو درجه یا رتبه به عنوان یکی از موارد اختیاری تبدیل مجازات پیش بینی شده،

^۸ - ماده ۲۲ ق. مجازات اسلامی: دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از:

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی
 - ۲- اظهارات و راهنماییهای متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اثباتی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد.
 - ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم .
 - ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.
 - ۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او.
 - ۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.
- تبصره ۲ - در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می تواند جهات مخففه را رعایت کند.
- تبصره ۳ - چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در موارد خاص پیش بینی شده باشد دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.

در مواردی که مجرم نظامی پایین‌ترین درجه نظامی را داشته باشد باید از سایر موارد تبدیل استفاده نمود.

۹ - نظر به این که مجازات شروع به جرم مطابق ماده (۱۲۸) این قانون و نیز مجازات معاونت در جرم فاقد حداقل و حداکثر می‌باشند؛ بنابراین، در خصوص اعمال تخفیف مجازات حبس تا یک سوم به استناد این مواد دو نظریه وجود دارد :

الف) مجازات را در این قبیل موارد حداقل تلقی نموده و برابر مواد (۴، ۳ و ۵) همین قانون رفتار می‌شود.

ب) چون موارد یادشده فاقد حداقل مجازات هستند، بنابراین، از حکم مواد (۳، ۴ و ۵) خروج موضوعی داشته و برابر ماده (۲۲) ق. مجازات اسلامی عمل می‌شود. در غیراین صورت، اعمال تخفیف برای مباشر و معاون و شروع کننده به جرم یکسان خواهد بود که عادلانه نیست.

ماده ۶ - در هر مورد که کارکنان وظیفه به اضافه خدمت محکوم می‌شوند، کلیه مقررات مربوط به خدمت از جمله مقررات کیفری و انضباطی نیروهای مسلح در زمان تحمل اضافه خدمت درباره آنان جاری است.

نکته:

این ماده تأسیس جدیدی است که برای اولین بار در این قانون آمده و رافع بسیاری از ابهامات و مشکلاتی است که سابقاً در مورد اضافه خدمت ناشی از حکم دادگاه وجود داشت. اگر کارکنان وظیفه، خدمت سربازی مقرر را انجام و اتمام و در حال تحمل محکومیت اضافه خدمت باشند، مشمول کلیه مقررات نظامی خواهند بود و اگر از مقررات تخطی نمایند برابر آیین‌نامه انضباطی با آنان رفتار خواهد شد و اگر مرتکب جرایم نظامی گردند طبق همین قانون حسب مورد عمل خواهد شد؛ و اما اگر سربازی در حال تحمل اضافه خدمت دفترچه‌ای یا

ناشی از تنبیه انضباطی باشد، در این خصوص از قبل هم ابهامی وجود نداشت. پس برابر قانون جدید در همه موارد اضافه خدمت تکالیف نظامی بارخواهد شد.

ماده ۷- در مواردی که در این قانون، مجازاتهای دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی پیش بینی شده و در صورت وجود جهات مخففه، به شرح زیر قابل تبدیل و تخفیف می باشد:

الف - مجازات اخراج از خدمت یا انفصال دائم از خدمت و یا خدمات دولتی به تنزیل دو درجه و یا رتبه؛

ب - مجازات تنزیل دو درجه یا رتبه به تنزیل یک درجه یا رتبه؛

ج - مجازات تنزیل یک درجه یا رتبه با شش ماه تا دو سال محرومیت از ترفیع؛

د - مجازات جزای نقدی یا انفصال موقت یا محرومیت از ترفیع یا اضافه خدمت تا نصف حداقل مجازات قانونی آن؛

ه - مجازات شلاق تعزیری به یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی.

نکته :

۱- این ماده تأسیس جدید حقوقی است و تکلیف مجازاتهای اصلی در جایی که مجازات اصلی غیر از حبس باشد را روشن کرده است.

۲- در این قانون به لحاظ حفظ شئون و جایگاه نیروهای مسلح، مجازات شلاق حذف شده است.

۳- چون مقنن با عنایت به شأن و موقعیت نیروهای مسلح مجازات شلاق را پیش‌بینی نکرده، در نتیجه، قاضی دادگاه نمی‌تواند با تمسک به مواد (۱۶) و (۲۲) ق. مجازات اسلامی، برخی از مجازات‌های اصلی مندرج در این قانون را به مجازات شلاق تعزیری تبدیل کرده و مخالف سیاستی که مد نظر مقنن بوده عمل نماید؛ بلکه برابر آنچه در ماده (۲) این قانون تکلیف شده، تخفیف و تبدیل مجازات صرفاً باید برابر مواد (۴، ۳ و ۵) همین قانون باشد.

۴- بند «هـ» که راجع به تبدیل شلاق به جزای نقدی است، در این قانون مصداقی ندارد.
 ماده ۸- در مواردی که تخفیف‌های مقرر در مواد (۳)، (۴) و (۵) این قانون در خصوص مجازات حبس اعمال می‌شود، دادگاه نمی‌تواند آن را به استناد ماده (۷) این قانون مجدداً تخفیف دهد.

نکته:

۱- این ماده تخفیف مجدد را از طریق تبدیل دوباره مجازات منع نموده است.
 ۲- محاکم نظامی نمی‌توانند مجازات حبس را به استناد مواد (۳)، (۴) و (۵) به مجازات دیگری مثل تنزیل درجه تبدیل کرده سپس همین مجازات را مجدداً به استناد ماده (۷) به محرومیت از ترفیع تبدیل نمایند.

ماده ۹- جهات مخففه مندرج در این قانون همان جهات مخففه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ است.

نکته:

۱- این ماده در خصوص اعمال جهات مخففه می‌باشد که همان موارد مندرج در ماده (۲۲) ق. مجازات اسلامی است.

۲ - اعمال کیفیات مخففه جهت تخفیف یا تبدیل مجازات باید حسب مواد (۳، ۴ و ۵) این قانون صورت بگیرد.

۳ - برابر ماده (۲۲) ق. مجازات اسلامی جهات مخففه عبارتند از:

الف - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی؛

ب - اظهارات و راهنمایی متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد.

ج - اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

د - اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

و- وضع خاص متهم و یا سابقه او.

ه - اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

۴ - برابر بخشنامه شماره ۱/۷۸/۶۹۳۳ - ۷۸/۷/۱۹ ریاست محترم قوه قضاییه که ناظر بر مواد

(۲۲) و (۷۲۸) ق. مجازات اسلامی و ماده (۳) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح بوده است،

اقتضا دارد دادگاهها جز در مواردی که ملزم به صدور حکم حبس هستند در سایر موارد

مجازاتهای حبس را به جزای نقدی یا تعزیری دیگر تبدیل نمایند.

۵ - نظریه مشورتی شماره ۱۶۵۴-۱۳۶۹/۶/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه: منظور از تخفیف این

است که میزان مجازات از حداقل معین شده در قانون کمتر و خفیف تر باشد و تعیین مقدار

کمتر از حداقل و یا تبدیل به نوع دیگر که از حداقل مجازات قانونی اخف باشد، در اختیار

دادگاه است.

۶ - نظریه مشورتی شماره ۷/۵۲۵۸ - ۱۳۶۷/۸/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه: تعلیق اجرای حکم

از مصادیق تخفیف نیست و دادگاه نمی‌تواند به عنوان تخفیف، اجرای حکم را معلق نماید.

۷ - نظریه مشورتی ۷/۱۵۸۵ - ۷۵/۳/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه: دادگاه بایستی شرایط و

عواملی را که موجب تخفیف مجازات شده در رأی خود قید و تصریح کند و کلی گویی

در باب تخفیف و جاهت قانونی ندارد.

ماده ۱۰ - ملاک تعیین صلاحیت دادگاههای نظامی، مجازات اصلی جرم است و توأم

بودن حبس با مجازاتهای دیگر و همچنین تبدیلی، تأثیری در صلاحیت ندارد.

نکته:

۱- مقصود ماده فوق این است که ملاک تعیین صلاحیت محاکم نظامی یک و دو مجازات

اصلی حبس می‌باشد. بنابراین، اگر مجازات اصلی حبس با مجازاتهای دیگری مانند جزای

نقدی یا اخراج توأم باشد، صلاحیت دادگاههای نظامی براساس مجازات حبس تعیین می‌شود

و اگر مجازات اصلی حبس به استناد مواد (۳، ۴ و ۵) این قانون به مجازات دیگری تبدیل

شود، مجازات تبدیلی ملاک نخواهد بود، بلکه مجازات اصلی مقرر در قانون ملاک تعیین

صلاحیت خواهد بود.

۲- این ماده در رابطه با سایر قوانین از قبیل ماده (۵۴۸) ق. مجازات اسلامی و نظایر آن نیز

لازم الاجرا است.

ماده ۱۱- دادگاههای نظامی می‌توانند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان و

رعایت مقررات مربوط به زندان بازو نیمه‌باز، مدت حبس وی را که بیش از یک سال

نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا

مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می کنند معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می شوند.

تبصره ۵- مقررات اجرائی حبس با خدمت، نحوه هماهنگی با فرمانده مربوط و وضعیت خدمتی این گونه افراد به موجب دستورالعملی خواهد بود که ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید.

نکته:

۱- مجازات حبس با خدمت تأسیس حقوقی جدیدی است که در این قانون پیش بینی شده است.

۲- با توجه به متن ماده، درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان باید بعد از صدور حکم باشد.

۳- در هر صورت تبدیل مجازات حبس به حبس با خدمت برای دادگاهها الزامی نیست؛ چنانچه درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان را به مصلحت ندانند می توانند آن را رد کنند.

۴- چگونگی اجرای حبس با خدمت منوط به تصویب دستورالعمل مربوط و مطابق آن خواهد بود.

۵ - با توجه به متن ماده که گفته «مدت حبس وی را که بیش از یک سال نباشد» آیا شرط تبدیل مجازات حبس به حبس با خدمت کمتر از یک سال بودن مجازات حبس در متن حکم است یا اگر بیش از یک سال بود باز هم قابل تبدیل است. در این راستا دو نظریه وجود دارد: برخی معتقدند در صورتی که مدت حبس بیش از یک سال نباشد قابل تبدیل است و اگر بیشتر از یک سال بود قابل تبدیل نیست و بعضی را عقیده بر آن است که در صورت بیش از یک سال بودن مجازات حبس باز منعی برای تبدیل وجود ندارد؛ و لیکن پس از تحمل مدت زاید بر یک سال مابقی محکومیت که بیش از یک سال نمانده باشد قابل تبدیل به حبس با خدمت است؛ و نظریه اخیر با مقصود مقنن سازگارتر است.

ماده ۱۲ - اعضای ثابت نیروهای مسلح که به موجب احکام قطعی دادگاهها در جرایم عمدی به مجازاتهای زیر محکوم می شوند، از زمان قطعیت حکم، از خدمت اخراج می گردند:

الف - محکومیت یا محکومیتهای (در صورت تعدد) به حبس غیر تعلیقی زاید بر پنج سال.

ب - محکومیت به حدود.

ج - محکومیت به سبب ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور.

د - محکومیت به قصاص نفس یا قطع عضو.

تبصره ۱ - در صورت وجود شرایط خاص خدمتی و عدم مصلحت اخراج از خدمت با

تقاضای فرمانده مربوط یا دادستان، دادگاه می تواند با ذکر دلایل و تصریح در متن حکم،

اجرای اثر تبعی حکم را طبق مقررات مربوط به تعلیق در قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۷۵/۳/۲ معلق نماید.

تبصره ۲ - به خدمت اعضای پیمانی یا قراردادی نیروهای مسلح به محض قطعی شدن محکومیت‌های فوق پایان داده خواهد شد.

تبصره ۳ - در صورتی که کارکنان پایور نیروهای مسلح به حبس از دو سال تا پنج سال محکوم شوند، اخراج از خدمت (انفصال، بازخریدی و یا بازنشستگی) با توجه به نوع جرم و با رعایت مقررات استخدامی نیروهای مسلح با رأی کمیسیونهای انضباطی نیروهای مسلح خواهد بود.

نکته:

۱- تأکید قانونگذار بر اختصاص مجازات تبعی اخراج به جرایم عمدی، از ویژگیهای مثبت این قانون بوده و به تأثیر از آموزه‌های جرم‌شناسی و در راستای تأمین حقوق متهم می‌باشد.

۲- منظور از مقررات مربوط به تعلیق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۲ که در تبصره «۱» آمده، همان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد که در سال ۱۳۷۵ به مدت ده سال تمدید گردیده است.

۳ - تاریخ ذکر شده در متن تبصره «۱» (۷۵/۳/۲) مربوط به زمان تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بخش مجازاتهای تعزیری و بازدارنده می‌باشد و ارتباطی به مقررات تعلیق ندارد.

۴ - در تبصره «۳» منظور از اخراج از خدمت، رهایی از خدمت می‌باشد.

۵ - دادگاه نمی تواند رأساً اثر تبعی حکم را تعلیق نماید، بلکه پس از تقاضای فرمانده مربوط یا دادستان مجاز به این کار می باشد.

۶ - تقاضای فرمانده یا پیشنهاد دادستان برای دادگاه ایجاد تکلیف نمی کند و در تعلیق اجرای اثر تبعی حکم مخیراست و در هر صورت، چنانچه تصمیم بر تعلیق داشته باشد، ذکر دلیل و تصریح در متن حکم ضرورت دارد.

۷ - اگر تعدد محکومیت به بیش از پنج سال حبس از طریق دادنامه های متعدد صادره شده از سوی چند مرجع قضایی و با فاصله زمانی باشد یا چنانچه نظامیان توسط مراجع قضایی عمومی به حبس زاید بر پنج سال محکوم شوند، با توجه به حاکمیت اصل تفسیر قانون به نفع متهم در قوانین کیفری، مشمول این ماده نخواهد شد.

ماده ۱۳ - عفو محکومان نظامی شامل آثار تبعی آن نمی گردد، مگر اینکه تصریح شده باشد.

ماده ۱۴ - افسران و درجه داران وظیفه و کارکنان پیمانی که خدمت وظیفه خود را به اتمام نرسانده اند، چنانچه به علت ارتکاب جرایم عمدی به یکی از مجازاتهای مذکور در ماده (۱۲) این قانون محکوم شوند، بقیه خدمت وظیفه خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین تر به صورت خدمت وظیفه انجام خواهند داد.

نکته :

۱- تبصره « ۲ » ماده (۱۲) با ماده (۱۴) در خصوص کارکنان پیمانی با هم تناقض ندارند و قابل جمع می باشند؛ چون آنچه در تبصره « ۲ » ماده (۱۲) آمده شامل کارکنان پیمانی است که خدمت سربازی را قبلاً انجام داده اند و ماده (۱۴) مربوط به کارکنان پیمانی است که خدمت سربازیشان را انجام نداده اند.

ماده ۱۵ - دادگاههای نظامی می توانند در جرایم تعزیری و بازدارنده علاوه بر تعیین مجازات، به عنوان متمیم حکم، متهم را به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم نمایند.

الف - در مورد کارکنان پایور:

۱- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه تا دو سال؛

۲ - محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال؛

ب - در مورد کارکنان وظیفه:

۱ - اضافه خدمت حداکثر به مدت سه ماه؛

۲ - تنزیل یک درجه افسران و درجه داران وظیفه؛

۳ - منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت سه ماه و حداکثر تا پایان مدت خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از سه ماه باشد، دادگاه می تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.

تبصره - در هر مورد که دادگاه از مجازاتهای فوق به عنوان مجازات اصلی استفاده نموده یا مجازات حبس را به یکی از موارد فوق تبدیل کرده باشد، نمی تواند همان مجازات را به عنوان مجازات متمیمی مورد حکم قرار دهد.

نکته:

۱ - کارکنان قراردادی مشمول بند «الف» این ماده می شوند. چون وظیفه در مقابل پایور قرارداد.

۲ - در خصوص اینکه آیا متمیم مجازات برابر این ماده به جرایم غیر عمدی نیز تسری دارد یا صرفاً به جرایم عمدی محدود می شود، برخی معتقدند به حسب اطلاق ماده، شامل جرایم

غیرعمدی هم می‌شود و عده‌ای را عقیده بر آن است که به استناد ماده (۱۹) ق. مجازات اسلامی^(۹) و با توجه به فلسفه اعمال مجازات و رعایت قاعده تفسیر قانون به نفع متهم و لحاظ نمودن روح قانون و مقصود مقنن صرفاً جرایم عمدی را شامل می‌شود و تسری به جرایم غیرعمدی ندارد؛ چون اعمال مجازات تتمیمی برای جرایم غیرعمدی عادلانه نیست.

۳ - اینکه آیا می‌توان به استناد مواد (۳ تا ۸) این قانون و تبصره ماده (۱۵) مجازات را تبدیل سپس مجازات تتمیمی نیز برای آن در نظر گرفت، برخی را عقیده بر آن است که چون منع قانونی نداریم تبدیل مجازات و سپس بار نمودن حکم تتمیمی بی اشکال است؛ اما بنظر می‌رسد، این‌گونه اقدام نمودن با روح قانون و فلسفه اعمال تخفیف تناسبی ندارد؛ چون اولاً مجازات تتمیمی زمانی مقرر می‌شود که مجازات اصلی را کافی ندانیم. ثانیاً: هنگامی تبدیل مجازات اعمال می‌شود که محکوم علیه مشمول کیفیات مخففه باشد.

ماده ۱۶ - حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح یک سال است و محکومان به این مجازات از حقوق بدون کاری مطابق مقررات استخدامی مربوط استفاده خواهند کرد.

ماده ۱۷ - هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می‌شود.

ماده ۱۸ - هر یک از اشخاص مذکور در ماده (۱۷) قبل از کشف توطئه و دستگیری، توبه نماید و خود را به مأموران معرفی کند و اطلاعاتش را در اختیار بگذارد به نحوی که توبه

^۹ - ماده (۱۹) ق. مجازات اسلامی: دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت دو نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید. تبصره - نقاط اقامت اجباری محکومان، توسط وزارت دادگستری و شورای امنیت کشور تعیین و به قوه قضاییه اعلام می‌گردد.

وی در دادگاه محرز شود، حد محاربه از او ساقط شده و چنانچه اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری وی یا دیگران گردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب جرم دیگری شده باشد به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

نکته:

در این ماده بر خلاف ماده (۱۰) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح سابق، چنانچه توبه مجرم احراز شود، اما اقدام مجرمانه مرتکب موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه یا بیم تجری وی یا دیگران شود فقط موجب سقوط حد محاربه می‌گردد؛ لیکن مجازات حبس از یک تا پنج سال به قوت خود باقی بوده و اعمال می‌شود.

ماده ۱۹ - هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌گردند.

نکته:

در متن ماده، مراد از برهم زدن امنیت کشور را ایجاد رعب، آشوب و قتل دانسته است بدون آنکه از کلماتی چون «از قبیل، مانند، و غیره» استفاده کند؛ در نتیجه، موارد یاد شده در بیان مقصود از برهم زدن امنیت کشور جنبه حصری دارند نه تمثیلی.

ماده ۲۰ - هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید، به مجازات محارب محکوم می‌شود.

نکته :

نظریه مشورتی شماره ۸۰/۶/۱۸-۷/۹۸۰۰-۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: طبق بند «۴» ماده (۱۹۰) ق. مجازات اسلامی^(۱۰) مصوب ۱۳۷۰، یکی از مجازاتهای محارب «نفی بلد» است که با عنایت به شرایط شرعی نفی بلد، صدور حکم به تبعید در زندان یا حبس در تبعید خلاف قانون شناخته نشده است و لذا :

اولاً - حکم به زندان در تبعید مانع قانونی ندارد و محکوم علیه باید در اجرای حکم مزبور حبس شود و مقررات حاکم بر مجازات حبس شامل حال این قبیل محکومین هم هست. و با عنایت به نص ماده (۱۹۳) ق. مجازات اسلامی^(۱۱) که محارب به نفی بلد حق معاشرت و مراوده با دیگران را ندارد، باید از مزایای مرخصی و ملاقات و مکاتبه با دیگران محروم باشد؛ لکن از حداقل حقوق انسانی برخوردار است و لذا اگر بیمار شود مشمول مقررات ماده (۲۹۱) ق. آ.د.ک. ۱۳۷۸^(۱۲) خواهد بود.

^{۱۰} - ماده (۱۹۰) ق. مجازات اسلامی: حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است: ۱- قتل ۲- آویختن به دار ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفی بلد

^{۱۱} - ماده (۱۹۳) ق. مجازات اسلامی: محاربی که تبعید می‌شود باید تحت مراقبت قرارگیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد.

^{۱۲} - ماده (۲۹۱) ق. آ.د.ک. کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب: بیماری محکوم علیه موجب توقف اجرای مجازات حبس نمی‌شود مگر اینکه به تشخیص دادگاه اجرای حکم موجب شدت بیماری و تأخیر در بهبودی محکوم علیه باشد که در این صورت دادگاه با تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد و اخذ تأمین مناسب اجازهٔ معالجه در خارج از زندان را صادر می‌نماید و اگر محکوم علیه تأمین ندهد به تشخیص پزشک و دستور دادگاه در زندان یا بیمارستان تحت نظر ضابطین دادگستری معالجه می‌شود.

تبصره - در صورت جنون، محکوم علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود. ایام توقف در بیمارستان جزو محکومیت وی محاسبه می‌شود.

ثانیاً - نظربه اینکه محکوم به نفی بلد، حق حشر و نشر و مراوده با کسی را ندارد، تمام مدت محکومیت را باید در زندان بسر برد (مادتین ۱۹۳، ۱۹۴ ق. مجازات اسلامی)^(۱۳)

ثالثاً - چون مجازات « زندان در تبعید» حد است مشمول مقررات خاص حدود است و تخفیف آن تنها در صورت توبه کردن به نحو مقرر در ماده (۱۹۴) ق. مجازات اسلامی میسر است.

ماده ۲۱ - نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند، چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیراین صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می گردند:

الف: هر نظامی که افراد تحت فرماندهی خود یا پایگاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و تجهیزات و ساز و برگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظایر آنها را به دشمن تسلیم یا افشا نماید.

ب: هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تباخی کند.

ج: هر نظامی که برای دولت در حال جنگ با ایران یا برای گروهها یا دستجات محارب و مفسد جمع‌آوری نیرو یا کمک نماید یا سایر افراد را به الحاق به دشمنان با محاربان و مفسدان اغوا و تشویق کند یا عملاً وسایل الحاق آنان را فراهم آورد.

نکته:

۱- محارب محسوب شدن مجرم در صورت توأم بودن براندازی نظام با همکاری با دشمن است؛ زیرا بین این دو عبارت حرف جمع («و») آمده است.

^{۱۳} - ماده (۱۹۴) ق. مجازات اسلامی: مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتیکه توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند.

۲- اگر فرد نظامی بدون قصد براندازی نظام و همکاری با دشمن مرتکب جرایم مندرج در

بندهای «الف»، «ب» و «ج» شود، مجازات وی حبس از سه تا پانزده سال می‌باشد.

۳- با حذف قید «با علم به تأثیر آن در براندازی» که در ماده (۱۱) سابق^{۱۴} وجود داشت،

ضمن شفاف‌تر شدن قانون، کار قضات نیز به هنگام صدور حکم آسانتر شده است؛ زیرا احراز

«علم به تأثیر در براندازی» نه تنها مشکل بود، بلکه موجب اطاله دادرسی نیز می‌گردید.

ماده ۲۲ - هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب

محسوب می‌شود.

ماده ۲۳ - هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح

هستند اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار

را تسهیل یا با علم به فراری بودن، آنان را مخفی نماید، در صورتی که به منظور براندازی

حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد، به مجازات محارب و آلا به

حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

ماده ۲۴ - افراد زیر جاسوس محسوب و به مجازاتهای ذیل محکوم می‌شوند:

الف - هر نظامی که اسناد یا اطلاعات یا اشیای دارای ارزش اطلاعاتی را در اختیار

دشمن و یا بیگانه قرار دهد و این امر برای عملیات نظامی یا نسبت به امنیت تأسیسات،

استحکامات، پایگاه‌ها، کارخانجات، انبارهای دائمی یا موقتی تسلیحاتی، توقفگاههای

^{۱۴} - ماده ۱۱ ق.م.ج.ن.م. مصوب ۷۱: نظامیانی که مرتکب جرایم زیرشوند در صورتیکه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، با علم به تأثیر آن در براندازی در حکم محاربت و در غیراینصورت به ۵ تا ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم می‌شوند....



موقت، ساختمانهای نظامی، کشتیها، هواپیماها یا وسایل نقلیه زمینی نظامی یا امنیت تأسیسات دفاعی کشور مضر باشد، به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

ب - هر نظامی که اسناد یا اطلاعات برای دشمن یا بیگانگان تحصیل کرده، به هر دلیلی موفق به تسلیم آن نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

ج - هر نظامی که اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح رابه دشمنان داخلی یا خارجی یا بیگانگان یا منابع آنان تسلیم و یا آنان را از مفاد آن آگاه سازد، به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

د - هر نظامی که برای به دست آوردن اسناد یا اطلاعات طبقه‌بندی شده، به نفع دشمن و یا بیگانه به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد.

تبصره - هر نظامی که عالماً و عامداً فقط به صورت غیر مجازبه محل مذکور وارد شود، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد:

هـ - هر بیگانه که برای کسب اطلاعات به نفع دشمن به پایگاه‌ها، کارخانجات، انبارهای تسلیحاتی، اردوگاه‌های نظامی، یگانهای نیروهای مسلح، توقفگاه‌های موقتی نظامی، ساختمانهای دفاعی نظامی و وسائط نقلیه زمینی، هوایی و دریایی وارد شده یا به محلهای نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، به اعدام و در غیر این صورت به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌گردد.

تبصره ۱ - هر کس در جرایم جاسوسی با نظامیان مشارکت نماید، به تبع مجرمان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه و به همان مجازاتی که برای نظامیان مقرر است محکوم می‌شود.

تبصره ۲ - معاونت در امر جاسوسی و یا مخفی نمودن و پناه دادن به جاسوس، جرم محسوب و مرتکب به تبع مجرمان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه و در مواردی که مجازات جاسوس، مجازات محارب و یا اعدام است به حبس از سه سال تا پانزده سال محکوم می‌شود.

نکته:

۱- با آوردن کلمه «بیگانه» خلاء قانونی که در ماده (۱۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سابق^(۱۵) وجود داشت برطرف گردیده است.

۲- منظور از بیگانه، کلیه افراد کشور خارجی غیر دشمن می‌باشد.

۳- از فحوای ماده چنین مستفاد است که جاسوسی شامل جاسوسی بالفعل و نیز افراد نظامی که در صدد جاسوسی باشند می‌گردد.

۱- اشخاص زیر جاسوس شناخته شده و به مجازات مقرر ذیل محکوم می‌شوند:

۱- هر نظامی که اسناد یا اطلاعات یا اشیاء دارای ارزش اطلاعاتی را تحصیل کند و در اختیار دشمن قرار دهد و اقلام او برای عملیات نظامی یا نسبت به امنیت تأسیسات، استحکامات، پایگاهها، کارخانجات، انبارهای دایمی یا موقتی تسلیحاتی، توقفگاههای موقت، ساختمانهای نظامی، کشتی‌ها یا هواپیماها یا وسایل نقلیه زمینی نظامی یا امنیت تأسیسات دفاعی کشور مضر باشد به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

۲- هر نظامی که اسناد یا اطلاعات برای دشمن تحصیل کند و به هر دلیل موفق به تسلیم آن به دشمن نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

۳- هر نظامی که اسرا نظامی یا سیاسی یا اقتصادی یا صنعتی یا کلیدهای رمز را به دشمنان داخلی یا خارجی تسلیم نماید یا آنان را از مفاد آن آگاه سازد، به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

۴- هر نظامی که برای بدست آوردن اسناد یا اطلاعاتی به نفع دشمن به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد.

۵- هر بیگانه‌ای که برای کسب اطلاعات به نفع دشمن به پایگاهها، کارخانجات، انبارهای تسلیحاتی، اردوگاههای نظامی یگانهای نیروهای مسلح، توقفگاههای موقتی نظامی، ساختمانهای دفاعی نظامی یا وسائط نقلیه زمینی، هوایی، دریایی یا در محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود به اعدام و در غیراینصورت به دو تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.

ماده ۲۵- منظور از دشمن عبارت است از: اشرار، گروه‌ها و دولتهایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان بر ضد امنیت ملی است.

تبصره - هر گاه برای دادگاه، تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد موضوع از طریق قوه قضاییه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای مذکور ملاک خواهد بود.

ماده ۲۶ - هر نظامی که اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی شده را در اختیار افرادی که صلاحیت اطلاع نسبت به آنها را ندارند، قرار دهد یا به هر نحو آنان را از مفاد آن مطلع سازد به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

الف - هر گاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان سری داشته باشد به حبس از دو تا ده سال.

ب - هر گاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان خیلی محرمانه داشته باشد به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره ۱ - هر گاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان خیلی محرمانه داشته باشد از طرف فرمانده یا رئیس مربوط تنبیه انضباطی خواهد شد.

تبصره ۲ - هر گاه اعمال فوق به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات شدیدتر محکوم خواهد شد.

تبصره ۳ - طبقه بندی و تغییر طبقه‌بندی اسناد و مدارک و مذاکرات، تصمیمات و اطلاعات و طرز نگهداری اسناد طبقه‌بندی شده به موجب دستورالعملی است که توسط

ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و پس از تصویب فرماندهی کل قوا جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

ماده ۲۷ - هر نظامی که بر اثر بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا سهل‌انگاری یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب افشای اطلاعات و تصمیمات یا فقدان یا از بین رفتن اسناد و مدارک مذکور در ماده (۲۶) این قانون شود، با توجه به طبقه‌بندی اسناد افشا شده به ترتیب ذیل محکوم می‌شود .

نکته:

برابر ماده (۲۷) اگر عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرد نظامی موجب افشای اطلاعات « به کلی سّری» شود مجازات آن تا دو سال حبس است؛ اما برابر ماده (۲۸) اگر این قبیل اقدامات از سوی نظامی‌ای که آموزش‌های لازم را نیز دیده سبب افشای اطلاعات شود، مجازاتش به مراتب کمتر بوده و تا شش ماه حبس می‌باشد؛ یعنی مجازات افشای اطلاعات به افراد بیگانه و دشمن، یک چهارم مجازات افشای اطلاعات به افراد غیربیگانه یا غیر دشمن است که این از موارد ابهام قانون است.

ماده ۲۸ - هر نظامی که پس از آموزش لازم در مورد حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانگان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌گردد.

نکته:

۱- در ماده (۲۸) به لحاظ اینکه فرد نظامی آموزش لازم را دیده دیگر اطلاعات طبقه بندی شده مانند ماده (۲۷) تفکیک نگردیده است. بنابراین، اگر اطلاعات تخلیه شده محرمانه باشد بازهم مجازات خواهد داشت.

۲- برابر بند « ۲ » ماده (۹) قانون تجدید نظر آرای دادگاهها مصوب ۷۲، آرای محاکم بدوی در این خصوص قطعی و غیرقابل تجدیدنظر می باشد.

ماده ۲۹ - هرگاه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افراد خودی شود، مرتکب به مجازات محارب محکوم می گردد .

ماده ۳۰ - هر فرمانده یا مسئول نظامی بدون استفاده از تمام وسایل دفاعی که در اختیار او بوده از انجام اقداماتی که وظیفه نظامی او ایجاب می کرده خودداری نماید و آنچه را که حفاظت یا دفاع از آن به او سپرده شده از قبیل تأسیسات، استحکامات ، سربازخانه، کارخانجات ، انبار و مخازن اسلحه و مهمات یا آذوقه یا سوخت یا ملزومات نظامی، هواپیما، کشتی، شهر، آبادی و اراضی به نحوی از انحاء به دشمن تسلیم نماید، به مجازات محارب محکوم می شود .

ماده ۳۱- هر فرمانده یا مسئول نظامی که با دشمن قرارداد تسلیم منعقد نماید، در صورتی که تصمیم متخذه موجب خلع سلاح نیروهای تحت فرماندهی یا اسارت آنها یا تسلیم آنچه دفاع و حفاظتش به عهده او ست، بشود به مجازات محارب و در غیراین صورت، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می گردد.

ماده ۳۲ - هر نظامی که در مقابل دشمن، از به کار بردن سلاح یا مهمات یا سایر امکانات نظامی برای مبارزه خودداری نماید یا آشکارا مرتکب اعمالی گردد که موجب تزلزل

روحیه افراد دیگر شود یا عمداً از کوشش برای روبه‌روشدن، جنگیدن، اسیر نمودن یا منهدم ساختن نیروها، کشتیها، هواپیماها یا هرگونه وسایل دیگر دشمن که به عهده او بوده یا وظیفه نظامی او ایجاب می‌کرده خودداری نماید چنانچه موجب شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و الا به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

ماده ۳۲ دو شق است که در شق اول متعرض عمدی بودن عمل نشده؛ ولی در شق دوم؛ قید عمداً را صریحاً آورده است. گرچه در شق اول تصریح به عمد نشده، اما جرم در صورتی محقق می‌شود که عمدی ارتکاب یابد.

ماده ۳۳ - نظامیان زیر که تعداد آنان حداقل سه نفر باشد شورش کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می‌شوند:

الف - نظامیان مسلحی که با تبانی یا به صورت دسته جمعی از اطاعت فرماندهان یا رؤسای خود سرپیچی کنند چنانچه مصداق محارب نباشند هریک به حبس از سه تا پانزده سال.

ب - نظامیانی که در ارتباط با خدمت به صورت دسته جمعی و با سلاح گرم یا سرد به جان یا مال یا ناموس مردم یا اموال عمومی تعدی یا تجاوز نمایند، چنانچه محارب محسوب نشوند به حبس از سه تا پانزده سال.

ج - نظامیان مسلحی که به منظور دستیابی به اهداف شخصی، صنفی و گروهی و یا به منظور بهره‌مندی از مزایا و امتیازات یا علیه تصمیمات قانونی مسئولان و نظایر آن در یگانهای نظامی یا در هر محل دیگر اجتماع، تحصن یا اعتصاب نموده و یا به هرنحوی موجب اختلال در نظم شوند، به حبس از سه تا پانزده سال.

د- چنانچه مرتکبان جرایم فوق غیرمسلح باشند، به حبس از شش ماه تا سه سال .
تبصره - هرگاه یک نفر از مرتکبان جرایم فوق در یک اقدام گروهی مسلح باشد، کلیه افراد حسب مورد به مجازات بندهای "الف" "ب" و "ج" این ماده محکوم خواهند شد.

نکته:

نظربه اینکه ارتکاب جرم موضوع این ماده مبتنی بر مسلح بودن افراد نظامی به تعداد حداقل سه نفر می باشد، بنابراین، اگر سایر مرتکبین از مسلح بودن دیگری آگاه نباشند یا اگر مجرمین از حد نصاب سه نفر کمتر باشند، در آن صورت مشمول این ماده نخواهند بود.

ماده ۳۴ - هر یک از فرماندهان یا مسئولان نظامی بدون امر یا اجازه یا بدون این که به اقدام متقابل وادار شده باشد علیه نیروهای نظامی یا اتباع دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد مسلحانه حمله یا عده ای را وادار به حمله نماید یا با نیروی تحت فرماندهی خود در اراضی دولتی که با ایران در حال جنگ نباشد مرتکب عملیات خصمانه شود، هرگاه اقدامات فوق موجب اختلال در امنیت داخلی یا خارجی کشور گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت ، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود.

ماده ۳۵ - هر یک از فرماندهان یا مسئولان نظامی که پس از دریافت دستور توقف عملیات جنگی، عملیات را ادامه دهد، در صورتی که عمل وی موجب اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت، به دو تا ده سال حبس محکوم می شود.

ماده ۳۶ - هر نظامی که بدون امر یا مجوز قانونی، فرماندهی قسمتی را به عهده گیرد و یا برخلاف امر مافوق، فرماندهی قسمتی را ادامه دهد، به حبس از دو تا ده سال محکوم و چنانچه مرتکب جرم دیگری گردد، به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۳۷ - هر نظامی که اوامر فرماندهان یا رؤسای مربوط را به لغو نماید، به ترتیب زیر محکوم می شود:

الف - هرگاه از امر حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان امتناع ورزد، چنانچه حاکی از همکاری با دشمن باشد و یا موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت، به حبس از سه تا پانزده سال.

ب - اگر مخالفت با اوامر در ناحیه ای است که در آن جنگی یا محدودیتهای ضروری اعلام شده و آن مخالفت مربوط به امور جنگی یا مقررات حالت محدودیتهای ضروری باشد، در صورتی که عمل او موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام باشد، به مجازات محارب والا به حبس از دو تا ده سال.

ماده ۳۸ - هر نظامی در غیر موارد مذکور در ماده (۳۷) این قانون، دستوری را لغو نماید، به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می گردد، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می شود.

تبصره - هرگاه لغو دستور مربوط به منع ازدواج با اتباع بیگانه یا با اتباع بیگانه ای که به سبب ازدواج تبعه ایران محسوب می شوند باشد، به حبس از سه ماه تا یک سال و اخراج از خدمت محکوم می گردد.

نکته:

مفهوم «دستور» و مصادیق «لغو دستور» و تفکیک لغو دستوری که جرم محسوب می‌شود از مواردی که تخلف انضباطی صرف است منوط به تصویب و ابلاغ دستورالعمل و آیین‌نامه مربوط می‌باشد.

ماده ۳۹ - هریک از فرماندهان و مسئولان نظامی یا انتظامی که حسب مورد مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان یا شهرستان را در مواردی که طبق قانون موظف به اجرا آن می‌باشند اجرا نکنند، چنانچه مشمول مجازات محارب نباشند یا به موجب سایر قوانین مستوجب مجازات شدیدتری نگردند، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند.

نکته:

نظر به اینکه اجرای قانون و هماهنگی با مسئولین مافوق، دو مقوله جدا از هم می‌باشند، بنابراین، مطابق این ماده، اجرای مصوبات شوراهای مندرج در آن توسط فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی منوط به تصویب رده‌های مافوق نمی‌باشد.

ماده ۴۰ - عضویت کارکنان نیروهای مسلح در سازمانها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مداخله یا شرکت و یا فعالیت آنان در دسته‌بندیها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی ممنوع است و مرتکبان به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌گردند و در هر حال، ادامه خدمت یا رهایی این گونه افراد از خدمت به عهده هیأت‌های رسیدگی به تخلفات نیروهای مسلح می‌باشد.

ماده ۴۱ - هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید، علاوه بر جبران خسارت‌های وارد شده، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود؛ و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود، علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد و چنانچه از مصادیق مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ باشد، به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بی‌گناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲ - مقررات مربوط به تیراندازی و نحوه پرداخت دیه و خسارت‌ها به موجب «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸» و آیین‌نامه‌های مربوط خواهد بود.

نکته:

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۶۶ - ۷۲/۳/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه: طبق تبصره «یک» ماده (۲۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (سابق)^(۱۶)، چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد، مرتکب از مجازات و پرداخت دیه معاف خواهد بود و در این صورت، اگر مقتول یا مجروح مقصر یا مهدورالدم باشد دیه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد؛ ولی اگر مقصر یا مهدورالدم نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد؛ اما اگر تیراندازی مطابق مقررات

^{۱۶} - تبصره ۱ ماده ۲۴ ق.م.ج.ن.م، مصوب ۷۱؛ چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه معاف خواهد بود و در صورتیکه مقتول یک مجروح مقصر و یا مهدورالدم نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

صورت نگرفته باشد، در صورت وقوع قتل یا جرح حسب مورد، نظامی مقصر محکوم به دیه یا قصاص خواهد شد.

۲- در خصوص تیراندازی توسط فرد نظامی سه نوع جرم متصور است:

الف - فرد نظامی مجوز استفاده از سلاح را داشته باشد، ولی برخلاف مقررات مربوط اقدام به تیراندازی نماید و منجر به ایراد خسارت نیز شود برابر شق اول ماده مذکور عمل می‌شود.

ب - فرد نظامی اسلحه و مهماتی را که برحسب وظیفه به او سپرده شده به مصرف غیر مجاز برساند یا مورد استفاده غیرمجاز قراردهد که این مورد با ماده (۸۳) این قانون منطبق است.

ج - فرد نظامی با قصد اتلاف مهمات مبادرت به تیراندازی نماید یا آنها را از بین ببرد، هرچند اسلحه و مهمات برحسب وظیفه به وی سپرده نشده باشد، که این مورد مشمول ماده (۹۳) می‌گردد.

۳- چنانچه تیراندازی برخلاف مقررات منجر به قتل یا جرح شود، ولی موجب اخلال در «نظم» صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب و دیگران نگردد و اولیای دم نیز رضایت دهند، آیا به استناد ماده (۴) باید مجازات نمود یا برابر مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) ق. مجازات اسلامی^(۱۷) از مجازات معاف می‌شود؟

برخی معتقدند موضوع از مصادیق تعدد معنوی است و باید مجازات اشد را اعمال نمود و گروهی را عقیده بر آن است که چون در جرایم موضوع مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) مرقوم، هم قصد

۱۷ - ماده ۶۱۲ ق. مجازات اسلامی: هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکي نداشته یا شاکي داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتیکه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید. تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

ماده ۶۱۴ ق. مجازات اسلامی: هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره - در صورتیکه جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

=====

فعل مجرمانه هست و هم قصد نتیجه ولی در ماده (۴۱) فقط قصد فعل هست و قصد نتیجه در کار نیست، یعنی مأمور نظامی از تیراندازی فقط هدف متوقف کردن فرضاً وسیله نقلیه یا مظنون را دارد و قصد قتل و جرح وی را ندارد. بنابر این، ماده (۴۱) با مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قابل جمع نیست؛ اما با تبصره «۳» ماده (۲۹۵) ق. مجازات اسلامی^{۱۸} قابل جمع می‌باشد. مگر اینکه ضارب قصد قتل و جرح عمدی را داشته باشد و به قصد کشتن یا مجروح ساختن تیراندازی نماید که در این صورت با مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قابل جمع خواهد بود اما احراز چنین قصدی در تیراندازی مشکل است.

ماده ۴۲ - هر نظامی که باید به طور انفرادی یا جمعی به مأموریت برود عمداً و بدون عذر موجه در وقت مقرر حاضر نگردد، به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف - هرگاه حرکت برای عزیمت به منطقه جنگی یا مقابله با اشرار و مفسدان باشد و عمل مرتکب موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت، به حبس از دو تا ده سال.

ب - هرگاه حرکت برای عزیمت به منطقه‌ای که در حالت جنگ یا آماده‌باش رزمی یا اعلام محدودیتهای ضروری موضوع اصل هفتادونهم (۷۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد، به حبس از دو تا پنج سال.

ج - در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، به حبس از دو ماه تا یک سال.

^{۱۸} - تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق. مجازات اسلامی: هرگاه بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود.

تبصره ۱- هر نظامی که پس از انتقال به یگان جدید در معرفی خود به آن پیش از مهلتی که به او داده شده بدون عذر موجه تأخیر کند، مطابق مقررات این ماده با وی رفتار خواهد شد.

تبصره ۲- هر نظامی که در منطقه عملیات جنگی یا موقع اعلام آماده باش رزمی بدون عذر موجه در محل معین حاضر نگردد، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود.
نکته:

۱- اگر فرد نظامی عمداً و بدون عذر موجه به مأموریت نرود و عدم حضور در محل مأموریت جدید یا در یگان منتقل الیه، به حدنصاب فرار از خدمت برسد، آیا عمل این فرد تعدد مادی محسوب می شود یا تعدد معنوی؟ بعضی قایل به تعدد مادی بوده و آن را دو جرم می دانند و برخی دیگر قایل به تعدد معنوی بوده و مجرم را مشمول مجازات اشد می دانند.
۲- در مورد این که آیا مرجع قضایی مبدأ صالح است یا مرجع قضایی مقصد، بعضی معتقد به صلاحیت مرجع قضایی مبدأ هستند و عده ای مقصد را صالح می دانند. بنظر می رسد از آنجا که مرتکب خود را به محل مأموریت جدید معرفی ننموده در نتیجه یگان متبوع محل وقوع جرم تلقی می شود و مرجع قضایی مبدأ صالح خواهد بود.

ماده ۴۳ - هر نگهبان که محل نگهبانی خود را بدون مجوز ترک نماید، در صورتی که در مقابل دشمن با همکاری یا تبانی باشد یا عمل وی موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب محکوم، در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می شود.

الف - هرگاه در مقابل دشمن یا محاربان و مفسدان باشد به حبس از سه تا پانزده سال.

ب - هرگاه در ناحیه‌ای باشد که در حالت جنگ و یا اعلام وضعیت و محدودیت‌های ضروری موضوع اصل هفتاد و نهم (۷۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و یا حالت آماده باش رزمی باشد، به حبس از دو تا ده سال.

ج - در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف محسوب می‌شود، به حبس از سه ماه تا دو سال .

تبصره - نگهبان، مأمور (اعم از نظامی و انتظامی) مسلحی است که مراقبت و حفاظت یک محل یا یک منطقه یا مقام معین به او واگذار شده باشد .
نکته:

- ۱- در خصوص سلاح به آیین نامه اجرایی تبصره "۲" ماده (۱) ق. تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۵۰/۱۱/۲۶ و فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری تهیه شده از طریق وزارت جنگ وقت به تاریخ ۵۳/۱۱/۱۰ مراجعه شود.^(۱۹)
- ۲ - برابر قانون و فهرست مرقوم، اسلحه شامل اسلحه سرد نیز می‌شود.
- ۳ - اینکه ترک پست نظامیان بدون اسلحه جرم تلقی می‌شود یا تخلف انضباطی، منوط به آیین‌نامه مربوط است که هنوز تهیه نشده است.

^{۱۹} - فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره ۲ ماده (۱) ق. تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب بهمن ماه ۱۳۵۳ وزارت جنگ: در اجرای تبصره ۲ ماده یک ق. تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح ، بدینوسیله انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری را بشرح زیر اعلام می‌دارد:

الف - انواع اسلحه سرد جنگی :

۱ - انواع سرنیزه‌های قابل نصب به تفنگ

۲ - انواع کاردهای سنگری متد اول در نیروهای مسلح یا مشابه آنها

ب - انواع اسلحه شکاری :

۱ - انواع تفنگ‌های ساچمه‌زنی

۲ - انواع تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران

۳ - انواع تفنگ‌های مخصوص شکار حیوانات آبی

ماده ۴۴ - هر نظامی که در حین نگهبانی به طور ارادی بخوابد، به شرح زیر محکوم می‌شود:

الف - هرگاه در مقابل دشمن و محاربان باشد، در صورتی که عمل وی موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یاشکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت، به حبس از دو تا ده سال .

ب - هرگاه در ناحیه‌ای باشد که در حالت جنگ یا اعلام محدودیتهای ضروری موضوعی اصل هفتادونهم (۷۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یا آماده باش رزمی باشد، به حبس از شش ماه تا دو سال .

ج - در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، به حبس از دو ماه تا یک سال.

نکته :

۱- گرچه احراز ارادی بودن خواب به هنگام پست برعهده دادگاه می‌باشد و مصادیق آن متعدد است، در صورتی که خوابیدن ناشی از عواملی چون خستگی مفرط، مصرف دارو، نگهبانی بیش از حد متعارف و امثال آن باشد، غیر ارادی محسوب می‌شود؛ اما چنانچه اسباب و مقدمات خوابیدن را از قبل فراهم نماید یا محل نگهبانی را ترک و به جایی برای خوابیدن برود، ارادی تلقی خواهد شد.

۲ - بار اثبات ارادی بودن فعل برعهده قاضی است و متهم تکلیفی بر اثبات غیرارادی بودن عملش ندارد .

۳ - اینکه مرجع تشخیص ارادی و غیرارادی بودن خواب کجاست، دو نظریه وجود دارد:

الف - نظریه اینکه توصیف اعمال مجرمانه با یگان می‌باشد، اما تشخیص جرم بودن یا نبودن عمل ارتكابی با مرجع قضایی است. بنابراین، کلیه موارد باید به سازمان قضایی منعکس شود و گرنه تفسیر موسع در این مقام موجب خواهد شد جرایم گزارش نشود و گاهی موجب سوء استفاده‌هایی نیز بشود.

ب - با توجه به وحدت ملاک حاصل از ماده (۸۵) این قانون، تشخیص اولیه با یگان نظامی و حسب مورد با دفاتر قضایی، حقوقی و بازرسی می‌باشد؛ اما در مواردی که یگان نظامی به ارادی و یا غیرارادی بودن عمل نگهبان ظن و شک داشته باشد باید موضوع را به سازمان قضایی گزارش کند.

ماده ۴۵ - هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض نماید، به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

الف - چنانچه مرتکب با سلاح تعرض نماید، به حبس از سه تا پانزده سال.

ب - چنانچه مرتکب بدون سلاح تعرض نماید، به حبس از دو تا پنج سال.

تبصره - چنانچه در اثر تعرض صدمه‌ای به نگهبان یا مراقب وارد آید که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو شود، مرتکب حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می‌گردد.

ماده ۴۶ - هر نظامی در حین خدمت به نحوی به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی اهانت نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد، مگر آن که اهانت او مصداق قذف^(۲۰) باشد که به مجازات آن محکوم می‌شود.

نکته:

۲۰ - ماده ۱۳۹ ق. مجازات اسلامی: قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری.
ماده ۱۴۰ ق. مجازات اسلامی: حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است.

=====

- در خصوص این ماده سه حالت متصور است:

الف - به نگهبان صرفاً اهانت شود و مورد قذف قرار نگیرد، در این صورت مجازات مندرج در ماده فوق اعمال می شود.

ب - اهانت به نگهبان موجب قذف وی شود و اهانت چیزی جدای از قذف نباشد، مرتکب در صورت مطالبه نگهبان، به حد قذف محکوم می شود.

ج - مقذوف خود نگهبان نباشد، بلکه پدر، مادر یا یکی از بستگان نگهبان باشد، در این صورت چنانچه شخص مقذوف مطالبه نماید مرتکب به حد قذف محکوم می شود. حال اگر فرد مقذوف مجازات مرتکب را مطالبه نکند، چون نگهبان به نحوی مورد اهانت قرار گرفته در نتیجه، مجازات مقرر در ماده درباره مرتکب اعمال می شود.

ماده ۴۷ - هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن نسبت به مافوق خود عمداً مرتکب ضرب یا جرح یا نقص عضو و یا قتل شود، علاوه بر محکومیت به قصاص یا دیه حسب مورد به شرح ذیل محکوم می شود:

الف - در صورتی که با سلاح باشد به حبس از سه تا پانزده سال.

ب - چنانچه بدون سلاح باشد و موجب قتل گردد به حبس از سه تا پانزده سال و اگر موجب جرح یا نقص عضو شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت، به حبس از دو تا پنج سال.

نکته:

۱- در خصوص مفهوم «مافوق» برابر ماده (۳۶) آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح،^(۲۱) ملاک در مرحله اول درجه نظامی می باشد.

۲- مافوق مفهوم عامی دارد که هم شامل کارکنان پایور می شود و هم کارکنان وظیفه را در برمی گیرد.

۳- در مورد مافوق و مادون تلقی شدن نظامیان، آیا ارتباط خدمتی و یگانی ملاک می باشد یا خیر دو نظریه وجود دارد:

الف - با توجه به قیودی که در ماده آمده از قبیل «حین خدمت، در ارتباط با آن، مافوق خود» اگر رابطه خدمتی نباشد یا از دو یگان مجزایی باشند، مافوق و مادون محسوب نمی شوند؛ زیرا

^{۲۱} - ماده ۳۶ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح :

ماده ۳۶ - به منظور روشن شدن ارشدیت بین اعضای ستاد فرماندهی کل قوا، سپاه، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در برخورد و روابط سازمانی و یا در دست گرفتن فرماندهی، ریاست یا مدیریت هنگام بروز بحران و یا در تجمعات نظامی که براساس سلسله مراتب (تابعیت) تشکیل نشده باشد، قواعد و مقررات ارشدیتی باید وجود داشته باشد که ترتیب آن به شرح زیر است:

الف (نظامیان:

ادامه پاورقی صفحه قبل ::

- ۱) بین دو نظامی، ارشد کسی است که دارای درجه بالاتر باشد.
- ۲) بین نظامیان هم درجه ارشد کسی است که درجه شغل سازمانی وی بالاتر باشد.
- ۳) در صورت تساوی درجه و درجه شغل سازمانی، دارنده درجه ثابت نسبت به دارنده درجه موقت ارشدیت دارد.
- ۴) در صورت تساوی درجه و درجه شغل سازمانی، ارشد کسی است که خدمت وی در درجه فعلی بیشتر باشد، مگر در مورد سلسله مراتب فرماندهی یا ریاست یا مدیریت که در این صورت فرمانده یا مدیر نسبت به مرئوس خود ارشد است.
- ۵) در صورت تساوی شرایط بالا ارشد کسی است که قدمت خدمت وی در درجه قبلی بیشتر باشد و به همین ترتیب به درجات قبل از آن.
- ۶) در صورت تساوی کلیه شرایط بالا، اعضای کادر ثابت نسبت به اعضای پیمانی و وظیفه ارشد خواهد بود.
- ۷) در صورت تساوی کلیه شرایط بالا، ارشد کسی است که نشان جنگی در درجه بالاتر داشته باشد.
- ۸) در صورت تساوی کلیه شرایط بالا، ارشد کسی است که طبق دستور مقام بالاتر سمت فرماندهی یا ریاست یا مدیریت را عهده دار باشد.
- ۹) در صورت تساوی کلیه شرایط بالا کارکنان رسته های رزمی نسبت به کارکنان رسته های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی ارشدیت دارند.
- ۱۰) در صورت تساوی کلیه شرایط بالا اگر منظور از تعیین ارشد عهده دار شدن فرماندهی در یک وضعیت بحرانی باشد، ارشدیت و در نتیجه فرماندهی با کارکنانی است که در آن محل و وضعیت ابواب جمعی بیشتری داشته باشد.

ب) بین کارمندان :

ارشد بین کارمندان با توجه به رتبه های خدمتی آنان طبق مقررات مذکور در بند الف این ماده می باشد.

پ) بین نظامیان و کارمندان:

ارشد بین نظامیان و کارمندان در مشاغل مشترک با توجه به ترتیب همطراز درجرات نظامی و رتبه های کارمندان مذکور در مواد ۳۴ و ۳۵ مقررات بند الف این ماده بوده و صرف نظامی یا کارمندان بودن موجب ارشدیت کارکنان بر یکدیگر نخواهد بود.

تبصره : با توجه به اینکه ارتقاء نظامیان از درجه سرتیپی به بالا در چهار رچوب نیازهای محدود سازمانی و با صدور فرمان مقام معظم فرماندهی کل قوا تحقق می یابد و با نگرش به اینکه ارتقاء رتبه کارمندان دارای چنین امتیازی نمی باشد به منظور حفظ نظام فرماندهی و شیرازه تشکیلاتی نیروهای مسلح، نظامیانی که به درجات سرتیپی به بالا ارتقاء یافته و یا در مشاغل درجات اخیر الذکر انتصاب می یابند به کلیه کارمندان رتبه های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ که در مشاغل درجات فوق الاشاره قرار دارند ارشدیت خواهند داشت.

رابطه خدمتی و حالت آمر و مأمور بودن بین آنها وجود ندارد و در سلسله مراتب اداری همدیگر قرار ندارند. گرچه احترام نظامی لازم است.

ب - چون تمامی اجزای نیروهای مسلح، جامعه واحدی را تشکیل می‌دهند و نمونه بارز آن ستاد کل نیروهای مسلح یا ستاد مشترک می‌باشد و اساس تشکیلات نظامی نیز بر مبنای درجه است؛ بنابراین، مافوق و مادون تلقی می‌شوند.

۴ - گذشت یا عدم گذشت مافوق در مجازات مرتکب تأثیری ندارد.

ماده ۴۸ - هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود اهانت نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

تبصره - در صورتی که اهانت وی مصداق قذف باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

نکته:

نکته‌ای که در خصوص این ماده و تبصره آن قابل ذکر است، این که معمولاً الفاظ قذف به مراتب شدیدتر از الفاظ اهانت هستند؛ اما در اهانت، گذشت مافوق سبب انتفای مجازات نمی‌شود، ولی در قذف، گذشت و عدم مطالبه مافوق سبب سقوط حد قذف می‌گردد.

ماده ۴۹ - هریک از فرماندهان و مسئولان نظامی، به افراد تحت امر خود اهانت و یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین‌نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید، به حبس از

دوماه تا یک سال محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم حدقصاص یا دیه باشد، به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.

نکته:

اگر فرماندهی، نیروی تحت امر خود را در مقام تنبیه انضباطی بیش از اختیارات قانونی بازداشت نماید، سه نظریه وجود دارد:

الف - اگر فرمانده به عنوان تنبیه انضباطی فراتر از اختیارات فرماندهی و مقررات آیین‌نامه انضباطی افراد تحت امر خود را بازداشت نماید مشمول مجازات مقرر در این ماده می‌شود. اما اگر بازداشت نیروهای تحت امر در مقام اعمال اختیار یا عمل آیین‌نامه انضباطی نباشد، برابر ماده (۵۸۳) ق. مجازات اسلامی^(۲۲) با وی رفتار می‌شود.

ب - عمل فرمانده از مصادیق تعدد معنوی است و برابر ماده (۴۶) ق. مجازات اسلامی،^(۲۳) مجازات اشد اعمال می‌شود.

ج - چون با تصویب ماده (۴۹) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح، ماده (۵۸۳) ق. مجازات اسلامی درباره نظامیان نسخ گردیده باید مطابق ماده (۲) این قانون رفتار و مرتکب را به استناد ماده (۴۹) مجازات نمود.

ماده ۵۰ - هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن، مافوق خود یا مراقب یا نگهبانی را در ارتباط با انجام وظیفه آنان تهدید نماید، به حبس از دوماه تا یک سال محکوم می‌شود.

۲۲ - ماده ۵۸۳ ق. مجازات اسلامی: هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیرمواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۲۳ - ماده ۴۶ ق. مجازات اسلامی: در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است.

ماده ۵۱ - هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خود زنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند، به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

الف - هرگاه در مقابل دشمنان باشد، چنانچه عمل وی موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت، به حبس از دو ماه تا ده سال.

ب - هرگاه در زمان جنگ باشد و در مقابل دشمنان نباشد، به حبس از یک تا پنج سال.

ج - در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره - مرتکبان جرایم مذکور در نتیجه اعمال فوق، از هیچ امتیازی برخوردار نمی‌گردند و خدمت خود را مطابق مقررات انجام خواهند داد، مگر آن که ادامه خدمت به هیچ وجه مقدور نباشد.

نکته:

۱- تهدید و ارباب مندرج در ماده، رکن مادی جرم نیستند؛ بلکه قصد انجام کار بوده و سوءنیت خاص تلقی می‌شوند.

۲ - ارباب، بیشتر جنبه باطنی و معنوی دارد؛ ولی تهدید جنبه غالبش ظاهری و ابراز کردنی است. ارباب بدون تهدید عملی نیز محقق می‌شود.

ماده ۵۲ - هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن با علم و آگاهی در مقابل مأموران نظامی و انتظامی حین انجام وظیفه آنان مقاومت یا به آنان حمله نماید، متمرّد محسوب و به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف - در صورتی که تمرّد با اسلحه صورت گرفته باشد به حبس از دو تا پنج سال.

ب - در صورتی که تمرّد بدون سلاح؛ بعمل عمل آید به حبس از شش ماه تا سه سال.

تبصره - اگر متمرّد در موقع تمرّد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد.

ماده ۵۳ - هر نظامی که حین انجام وظیفه مرتکب جرایم ذیل گردد، در هر مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود:

الف - چنانچه نسبت به مجروح یا بیمار آزار روحی یا صدمه بدنی وارد کند.

ب - چنانچه نسبت به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند در حالی که کمک رسانی از وظایف اوست از کمک خودداری کند.

تبصره - در موارد فوق الذکر، در صورتی که مورد از مصادیق قصاص یا دیه نیز باشد یا اموالی را تصاحب کرده باشد حسب مورد به قصاص، دیه یا استرداد اموال نیز محکوم می‌گردد.

نکته:

۱- دراینکه « حین خدمت » و « حین انجام وظیفه » تفاوتی با هم دارند یا مترادف هستند، دو نظریه وجود دارد:

الف - تفاوتی باهم ندارند و مترادفند . در این ماده نیز معنای واحدی ارایه شده است.
 ب - مفهومی متفاوتی دارند. حین خدمت، یعنی وقت اداری و حضور در محل خدمت اعم از اینکه وظیفه خاصی هم به فرد محول شده باشد یا خیر؛ و حین انجام وظیفه؛ یعنی در حال انجام مأموریت و وظیفه خاص که به فرد محول شده است و بالفعل به وظیفه و مأموریت محوله مشغول است. مفهوم حاصل از ماده (۶۰۷) ق. مجازات اسلامی^(۲۴) در خصوص تَمَرِد نیز مؤید این برداشت می باشد. بنابراین، حین خدمت نسبت به حین انجام وظیفه دارای مفهوم عام تری است.

ماده ۵۴ - هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی درارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسئولان رده های مختلف نیروهای مسلح موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد، چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود .

نکته:

۱- در عبارت « موجب تلفات جانی ... » واژه «موجب» به معنی منجر شدن است، نه به معنی «سبب» به بیان دیگر، در این ماده سبب و موجبی را قابل مجازات دانسته که برابر مقررات دیگر حقوقی نمی توان مجازات نمود.

^{۲۴} - ۷ ق. مجازات اسلامی: هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تَمَرِد محسوب می شود و مجازات آن به شرح ذیل است: ...

۲- ظاهراً وضع این ماده ناظر بر مواردی بوده که فرماندهی با بی دقتی و بی‌مبالاتی و بدون رعایت نظامات دولتی دستوری می‌داده که منتهی به صدمات و تلفات جانی می‌شده و برای جلوگیری از این قبیل بی‌توجهی‌ها و تلفات، این مقررات وضع گردیده است. در این راستا چنانچه تلفاتی حاصل شود مباشر مسئول خواهد بود. عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که «موجب» در این ماده اعم از مباشرت و تسبیب است و مقنن به نتیجه حاصل از عمل مجرمانه توجه داشته. بنابراین، موجب و سبب به یک معنا می‌باشند و معنای لغوی واژه منظور بوده است، نه کاربرد حقوقی آن و این ماده در جایی که سبب اقوی از مباشر نباشد باز قابل اعمال است.

ماده ۵۵ - هر نظامی که با اقدام خود برخلاف شئون نظامی به نحوی از انحاء موجبات بدینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

نکته:

۱- اینکه منظور از «اقدام» در متن ماده صرفاً اعمال خلاف شئونی است که جرم نباشد یا مفهومی عام داشته و هر اقدامی را شامل می‌شود، چه آن عمل جرم باشد و چه جرم نباشد، دو نظریه وجود دارد:

الف - عبارت «شئون نظامی» قرینه است بر این که منظور اقدام و اعمالی است که فی‌نفسه جرم نیستند و چنانچه این اقدام و اعمال خود دارای عنوان مجرمانه باشد، در آن صورت از دایره شمول این ماده خارج می‌شود و مطابق همان عنوان مجرمانه رفتار و مجازات تعیین می‌شود.

ب - «اقدام» اعم از عمل مجرمانه و غیر مجرمانه است. اگر عمل ارتكابی جرم تعزیری باشد، تعدد معنوی محسوب و برابر ماده (۴۶) ق. مجازات اسلامی کیفر اشد تعیین می‌شود و چنانچه

جرم غیر تعزیری باشد تعدد مادی محسوب و مطابق ماده (۴۷) ق. مجازات اسلامی عمل می‌شود.

۲ - در مورد این که واژه «مردم» فقط شامل غیرنظامیان می‌شود یا خود نظامیان را نیز در برمی‌گیرد، دو نظریه وجود دارد:

الف) واژه «مردم» افاده نوع می‌کند و اسم عام و اسم جمع است. پس منصرف به غیر نظامیان بوده و شامل نظامیان نمی‌شود.

ب - دارای مفهوم عامی است که شامل خود نظامیان نیز می‌شود؛ زیرا ممکن است اقدام یکی از نیروهای مسلح موجب بدبینی دیگر نیروهای مسلح به آن مجموعه شود و یا اقدام یک نظامی سبب بدبینی نظامی دیگر شود؛ مانند بدبینی بسیجی نسبت به نیروی انتظامی یا بدبینی مأمور نیروی انتظامی نسبت به بسیجی.

ماده ۵۶ - اعضای ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان صلح بیش از پانزده روز متوالی مرتکب غیبت شده و عذر موجهی نداشته باشند، فراری محسوب و حسب مورد به مجازاتهای ذیل محکوم می‌شوند:

الف - چنانچه شخصاً خود را معرفی نمایند، به حبس از دو تا شش ماه یا محرومیت از ترفیع از سه تا شش ماه.

ب - هرگاه دستگیر شوند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال.

نکته:

۱ - نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۲ - ۱۳۷۰/۲/۱۰ اداره حقوقی قوه قضاییه: طبق ماده (۹۶) ق. ارتش جمهوری اسلامی ایران تصویب ۱۳۶۶، فرار از خدمت، وضع پرسنلی است که مدت غیبت آنان در زمان صلح ازپانزده روز و در زمان جنگ از پنج روز تجاوز نماید. به عبارت دیگر، مقنن انقضای مدتهای مذکور را برای تحقق بزه کافی دانسته و برای ادامه غیبت ضوابط خاصی از جهت اداری، استخدامی و اشتغال مجدد وضع نموده است، بدون این که این مقررات تأثیری در ماهیت و کیفر بزه فرار از خدمت داشته باشد.

۲ - از آنجا که برای تعیین مجازات و صدور رأی، مشخص بودن خاتمه فرار از خدمت ضرورت دارد؛ بنابراین، چنانچه مرتکب فرار مراجعت ننماید یا دستگیر شود، صدور رأی غیابی به لحاظ عدم امکان ابلاغ عملاً بی نتیجه است؛ گرچه صدور آن منع قانونی ندارد، اما با توجه به سیاست کیفری حاکم در سازمان قضایی نیروهای مسلح و رویه قضایی موجود، بهتر است جرایم فرار غیابی رسیدگی شود.

۳ - از آنجا که ماده (۵۶) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح سابق با ماده (۱۳۷) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح فعلی نسخ صریح شده؛ بنابراین، در صورت ارتکاب فرار از خدمت زاید بر شش ماه اخراج مرتکبین برابر ضوابط و مقررات یگانهای متبوع بلامانع است.

۴ - در راستای اعمال این ماده، پرونده‌هایی که قبل از سال ۷۵ در مرجع قضایی مطرح و در حال رسیدگی باشند و صدور حکم محکومیت به دلیل فرار زاید بر شش ماه موجب اخراج شود، این قبیل نظامیان مشمول عفو مقام معظم رهبری قرار می‌گیرند و اخراج آنها منتفی خواهد شد.

ماده ۵۷ - اعضای ثابت نیروهای مسلح که در زمان صلح در مأموریت یا مرخصی یا مشغول گذراندن دوره آموزشی در داخل یا خارج از کشور هستند هرگاه پس از خاتمه

مأموریت یا مرخصی یا دوره آموزشی یا پس از فراخوانی قبل از خاتمه آن به فاصله پانزده روز خود را جهت بازگشت به محل خدمت به قسمتهای مربوط در داخل و یا سفارتخانه ها و یا کنسولگریها و یا نمایندگیهای دائمی دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج معرفی نمایند و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و حسب مورد مشمول یکی از مجازاتهای مذکور در ماده (۵۶) این قانون خواهند بود.

ماده ۵۸ - اعضای ثابت نیروهای مسلح که فراری بوده هرگاه در زمان جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا هنگامی که یگان مربوط در آماده باش رزمی می باشد چنانچه ظرف مدت یک ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا اعلام آماده باش رزمی، خود را معرفی کنند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود.

در صورتی که معرفی پس از مدت مذکور باشد یا در این مدت و یا پس از آن دستگیر شوند حکم فرار در زمان جنگ را خواهد داشت.

نکته:

۱- اگر فرد نظامی بیش از شش ماه مرتکب فرار از خدمت شود برابر قوانین و مقررات مربوطه اخراج وی در دستور کار یگان قرار می گیرد و در اینصورت دیگر نظامی محسوب نمی شود و از دایره مشمول این ماده خارج است. برخی نیز معتقدند با توجه به اطلاق ماده و رعایت قاعده تفسیر به نفع متهم چنانچه مرتکب فرار ظرف مهلت مقرر در ماده مراجعت نماید مشمول این ماده می شود و چنانچه بعد از انقضای یک ماده مراجعت نماید یا دستگیر شود برابر قسمت انتهایی ماده با وی رفتار می شود.

۲- آماده باشهای غیررزمی از شمول این ماده خارجند.

۳ - ملاک در آموزشهای رزمی، آمادگی برای برخورد مسلحانه با یک وضعیت فوق العاده حاکم در جامعه یا در برابر دشمن می باشد و چنانچه متهم از حالت آماده باشی رزمی یگان مطلع شود و به یگان خدمتی مراجعه نماید مشمول این ماده می شود ولی اگر از آماده باش رزمی محدود یا منطقه ای یگان مطلع نباشد، عدالت و انصاف قضایی حکم می کند وی را از مشمول این ماده خارج بدانیم.

ماده ۵۹ - کارکنان وظیفه نیروهای مسلح هرگاه در زمان صلح بیش از پانزده روز متوالی مرتکب غیبت شده و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و چنانچه دستگیر شده باشند به حبس از سه ماه تا یک سال یا سه ماه تا یک سال اضافه خدمت محکوم می گردند.

نکته:

۱- مراد از دستگیری در ماده اعم از دستگیری بخاطر جرم دیگر یا دستگیری بدلیل ارتکاب فرار از خدمت می باشد. در هر دو صورت دستگیری قاطع فرار از خدمت محسوب و شرایط آن در تعیین مجازات لحاظ می شود.

۲ - اگر متهم بعد از ارتکاب فرار از خدمت به سبب جرم دیگری دستگیر و سپس آزاد شود و مدتی پس از آزادی شخصاً به یگان خدمتی خود مراجعت نماید در این صورت دستگیری وی از مصادیق دستگیری مندرج در ماده تلقی نمی شود.

ماده ۶۰ - کارکنان وظیفه فراری در زمان صلح هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند به ترتیب زیر با آنان رفتار می شود:

الف - چنانچه برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت شده و ظرف مدت شصت روز از شروع غیبت مراجعت نمایند بدون ارجاع پرونده به مرجع قضایی در مقابل هر روز غیبت

و فرار، دو روز به خدمت دوره ضرورت آنان افزوده می‌شود. این اضافه خدمت بیش از زسه ماه نخواهد بود.

ب- چنانچه پس از مدت یادشده در بند (الف) این ماده خود را معرفی کنند و یا سابقه فرار از خدمت داشته باشند به حکم دادگاه به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌گردند.

ج - چنانچه در زمان جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا هنگامی که یگان مربوط در آماده باش رزمی باشد و ظرف حداکثر مدت دو ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا اعلام آماده باش رزمی خود را معرفی کنند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود. در صورتی که معرفی پس از مدت مذکور باشد یا در این مدت و یا پس از آن دستگیر شوند حکم فراری در زمان جنگ را خواهند داشت .

تبصره ۱ - فراریان مشمول بند (الف) فوق در صورتی که مدعی عذر موجهی باشند، ادعای آنان در هیأتی که با شرکت فرماندهان و مسئولان عقیدتی سیاسی و مسئولان حفاظت یا معاونان آنان در سطح لشگرها، تیپهای مستقل، نواحی انتظامی و رده‌های همپراز و بالاتر تشکیل می‌گردد بررسی شده و نظر اکثریت قطعی است. در صورت عذر موجه به تشخیص هیأت مذکور، به تناسب روزهای موجه از اضافه خدمت وی کسر می‌گردد.

تبصره ۲ - در صورتی که انجام بقیه خدمت این افراد مورد رضایت فرماندهان باشد ممکن است با تصویب هیأت یادشده در تبصره (۱) این ماده، تمام یا قسمتی از اضافه خدمت مزبور بخشیده شود.

تبصره ۳ - دستورالعمل بند (الف) و تبصره‌های این ماده ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون، توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و تصویب و ابلاغ می‌شود.

نکته:

۱- با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی^(۲۵) و صراحت بند الف این ماده فرار از خدمت نیروهای وظیفه چنانچه برای اولین بار و کمتر از شصت روز باشد و مرتکب در خاتمه فرار مراجعت نماید چنین فراری وصف جزایی ندارد و مرتکب آن مجرم تلقی نمی‌شود بلکه فرماندهان و مسئولین یگان مربوطه با چنین متخلفی برابر مقررات بند الف و تبصره‌های این ماده و دستورالعمل مربوطه رفتار خواهند نمود.

۲- فرار از خدمت از جمله جرایم باز دارنده است و چنانچه فرار از خدمت قطع و خاتمه آن مشخص باشد مشمول مقررات مرور زمان می‌گردد.

۳- فرار از خدمت‌هایی که استمرار دارند و خاتمه فرار معلوم نیست مشمول مرور زمان نمی‌شوند.

۴- پایورانی که مرتکب فرار از خدمت بیش از شش ماه شوند چون با انقضای شش ماه اخراج می‌شوند بنابراین با اخراج استمرار فرار قطع می‌شود و با این وصف فرار از خدمت آنان مشمول مرور زمان می‌شود.

۵ - مقررات بند الف این ماده مانع از دستگیری یا صدور حکم جلب در صورتیکه گزارشی به مرجع قضایی و اصل شود نمی‌باشد.

۶ - در رابطه با بند «ب» این ماده اگر فرار مرحله اول نیروهای وظیفه منجر به اصدار قرار منع تعقیب یا رأی برائت شود سابقه محسوب نمی‌شود مگر اینکه منع تعقیب صادره بعد از لازم

^{۲۵} - اصل ۳۶ق.اساسی : حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

الاجرا شدن این قانون و بدلیل کمتر از ۶۰ روز بودن فرار باشد اما اگر منجر به صدور موقوفی تعقیب شود سابقه به حساب می آید.

۷ - اگر پرسنل وظیفه برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت کمتر از شصت روز شوند و در پایان شخصاً مراجعت نمایند چنانچه فرار از خدمت مربوط به قبل از لازم الاجراء شدن این قانون باشد چون موضوع از موارد نسخ قانون جزاست موقوفی تعقیب صادر می شود^(۲۶) و اگر فرار مربوط به بعد از لازم الاجراء شدن این قانون باشد چون به استناد بند الف ماده ۶۰ چنین قراری فاقد وصف جزایی است. در دادسرا را منع پیگرد و در دادگاه حکم برائت صادر می شود. بعد از صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب یا حکم برائت باید مراتب فرار وی به یگان خدمتی مربوطه اعلام تا اضافه خدمت مندرج در بند الف این ماده را اعمال نمایند. اگر در مورد فراری که منطبق با شرایط مقرر در بند الف ماده (۶۰) می باشد قبلاً حکم قطعی صادر شده باشد برابر ماده ۱۱ ق. مجازات اسلامی^(۲۷) عمل خواهد شد.

۸ - اگر فرار از خدمت منطبق با شرایط مقرر در بند الف ماده ۶۰ توسط یگان خدمتی یا ضابطین به دادسرای نظامی گزارش شود دادستان یا مقام ارجاع می تواند چنین پرونده‌هایی را

^{۲۶} - حسب وحدت ملاک حاصل از بند ۴ ماده (۶) ق.آ.د. دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری : « ماده ۶- تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی شود مگر در موارد زیر: چهارم - نسخ مجازات قانونی » و نیز مراجعه شود به آخوندی، دکتر محمود، آ.د.ک. ج اول ص ۲۴۳

^{۲۷} - ماده ۱۱ ق. مجازات اسلامی: در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی توان به عنوان جرم به موجب قانون متاخر، مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود. در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

۱- اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجرا نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در مواردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معینی و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی گردد.

۲- اگر مجازات وی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادر کننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد.

۳- اگر مجازات وی به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت.

بدون ارجاع به شعب تحقیق یا اظهار نظر قضایی به یگان مربوطه اعاده نماید تا مطابق بند الف ماده (۶۰) اقدام نمایند.

۹- سابقه فرار از خدمت مندرج در بند ب ماده (۶۰) اعم از سابقه محکومیت و غیر آن (یگانی) می باشد. ممکن است سربازی یک فقره سابقه فرار کمتر از ۶۰ روز با مراجعت در پایان فرار داشته باشد، سپس مرتکب فرار دیگری شود که بیش از پانزده روز است و در فرار دوم اعم از اینکه در پایان مراجعت نماید یا دستگیر شود مشمول بند ب ماده ۶۰ خواهد بود.

۱۰- تحقق جرم فرار منوط به بیش از پانزده روز بودن آن است اما قانونگذار با لحاظ شرایطی از جمله کاستن از بار پرونده های ارجاعی به دادسرا خواسته از فرار پرسنل وظیفه در صورتیکه واجد شرایط سه گانه زیر باشد وصف مجرمانه را از آن برداشته و بجای مجازات تنبیه انضباطی برای آن در نظر بگیرد:

الف - فرار کمتر از ۶۰ روز باشد

ب - برای اولین بار مرتکب فرار شود

ج - شخصاً با میل و اختیار و در پایان فرار مراجعت نمایند.

۱۱- ملاک مرحله اول تلقی شدن فرار از خدمت زمان وقوع جرم است بنابراین اگر برای متهمی یک مرحله فرار از خدمت گزارش شده و مورد رسیدگی قرار گیرد و پس از آن فرار دیگری که مقدم بر فرار رسیدگی شده است گزارش شود. فرار اخیر ولو اینکه مؤخر گزارش شده فرار مرحله اول تلقی و برابر بند الف ماده (۶۰) در مورد آن اقدام می شود.

۱۲ - اگر سربازی قبل از لازم الاجرا شدن قانون جدید مرتکب یک مرحله فرار از خدمت منطبق با شرایط مقرر در بند الف ماده (۶۰) شده شود و در مرحله دادسرا برای وی تعلیق تعقیب صادر گردد و سپس در زمان حاکمیت قانون جدید و قبل از انقضای مدت تعلیق

=====
 تعقیب مرتکب فرار از خدمت دیگری شود از آنجاکه با ارتکاب جرم جدید تعلیق تعقیب ملغی می‌شود در این موارد چون چنین فراری وصف جزایی ندارد باید تعلیق تعقیب الغاء موقوفی تعقیب صادر و مراتب جهت اعمال بند الف ماده (۶۰) به یگان خدمتی اعلام شود و فرار مرحله دوم نیز برابر مقررات رسیدگی گردد.

ماده ۶۱ - اعضای ثابت نیروهای مسلح هرگاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت نمایند و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شوند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردند.

ماده ۶۲ - فراریان مذکور در ماده (۶۱) این قانون، چنانچه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند در صورتی که فرار آنان از خدمت در زمان جنگ باشد به حبس از یک تا سه سال و اگر فرار از جبهه باشد به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شوند.

ماده ۶۳ - کارکنان وظیفه نیروهای مسلح هرگاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی غیبت نمایند و عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و پس از دستگیری به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌گردند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند.

ماده ۶۴ - فراریان مذکور در ماده (۶۳) این قانون، هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند در صورتی که فرار آنان فرار از خدمت در زمان جنگ باشد به حبس از سه ماه تا یک سال و اگر فرار از جبهه باشد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردند.

تبصره - منظور از جبهه مندرج در این قانون منطقه‌ای است که یگانی در گیری مستقیم و سریع رزمی داشته یا مأموریت آن را دریافت کرده باشد.

ماده ۶۵ - چنانچه فرار افراد مذکور در مواد (۶۱)، (۶۲)، (۶۳)، (۶۴) این قانون، موجب شکست جبهه اسلام یا وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی شود به مجازات محارب محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶ - هر نظامی که در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، اشرار و قاچاقچیان مسلح از محل مأموریت و یا منطقه درگیری فرار نماید در حکم فرار از جبهه محسوب و حسب مورد مشمول مجازاتهای مقرر در این بخش خواهد بود.

ماده ۶۷ - نظامیانی که در زمان جنگ در مأموریت یا مرخصی هستند یا مشغول گذراندن دوره آموزشی در داخل یا خارج کشور می‌باشند، هرگاه پس از خاتمه مأموریت یا مرخصی یا دوره آموزشی یا پس از فراخوانی قبل از خاتمه آن به فاصله پنج روز خود را جهت بازگشت به محل خدمت به قسمت‌های مربوط در داخل یا سفارتخانه‌ها یا کنسولگریها یا نمایندگی‌های دائمی دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج معرفی ننمایند چنانچه عذر موجهی نداشته باشند فراری محسوب و حسب مورد مشمول مجازاتهای مقرر در این بخش خواهند بود.

ماده ۶۸ - هر نظامی که در زمان بسیج یا هنگامی که یگان مربوط در مأموریت آماده باش رزمی می‌باشد مرتکب فرار شود حسب مورد مشمول مجازاتهای مقرر در این بخش خواهد بود .

ماده ۶۹ - افراد وظیفه دوره احتیاط و ذخیره که در زمان جنگ احضار شده به فاصله پنج روز از تاریخ احضار یا فراخوان بدون عذر موجه خود را معرفی نکنند فراری محسوب و به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. در صورتی که افراد یاد شده قبل از خاتمه جنگ شخصاً خود را معرفی نمایند، دادگاه مجازات آنان را تخفیف می‌دهد.

ماده ۷۰ - فراریان مشمول مواد (۶۲) و (۶۴) این قانون، فقط برای بار اول فرار از خدمت می‌توانند از تخفیف مقرر در این مواد استفاده نمایند و در صورت تعدد و یا تکرار فرار از خدمت حسب مورد مطابق مواد (۶۱) و (۶۳) این قانون مجازات خواهند شد.

نکته:

۱- کارکنان پایور و وظیفه چنانچه در زمان جنگ برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت شده شخصاً مراجعت نمایند مشمول مواد ۶۲ و ۶۴ این قانون خواهند بود و اگر دستگیر شوند و یا در زمان جنگ مرتکب فرار از خدمت مجدد شوند مشمول مواد ۶۱ و ۶۳ خواهند بود.

۲- منظور از عبارت « تخفیف مقرر در این مواد » تخفیف مندرج در مواد ۶۲ و ۶۴ می‌باشد.

ماده ۷۱ - هر نظامی که با سلاح گرم، هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی مبادرت به فرار نماید از زمان غیبت فراری محسوب و چنانچه عمل وی ضربه مؤثر به مأموریت نیروهای مسلح وارد آورد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شوند.

نکته:

۱ - با توجه به اطلاقی که ماده ۷۱ دارد، اسلحه، تجهیزات و وسایل نقلیه موتوری اعم از اینکه در تحویل مرتکب باشد یا خودش به نحوی آنها را در اختیار بگیرد مشمول ماده می‌شود.

ماده ۷۲ - هر نظامی با وسایل موتوری دیگر یا سایر وسایل و لوازم مورد استفاده نیروهای مسلح غیر از موارد یادشده در ماده (۷۱) این قانون فرار نماید چنانچه عمل وی ضربه مؤثری به مأموریت نیروهای مسلح وارد آورد به مجازات محارب و در غیر این صورت به ترتیب ذیل محکوم خواهد شد:

الف - هرگاه فرار وی از جبهه باشد از لحظه غیبت فراری محسوب و به حبس از سه تا پانزده سال .

ب - هرگاه فرار وی در زمان جنگ باشد به حبس از دو تا ده سال .

ج - در غیر موارد مذکور به حبس از دو تا پنج سال.

تبصره - چنانچه عمل وی به موجب مواد دیگر این قانون مجازات شدیدتری داشته باشد به آن مجازات محکوم می شود.

نکته:

۱ - اگر فرد نظامی با وسایل و لوازمی که در مواد (۷۱) ، (۷۲) ذکر شده اقدام به فرار نماید چنانچه فرار مرتکب در زمان صلح و بیش از ۱۵ روز باشد مشمول بند ج ماده ۷۲ می شود و اگر در زمان جنگ و بیش از ۵ روز باشد از مصادیق بند ب ماده ۷۲ خواهد بود و چنانچه کمتر از این مدت باشد از دایره شمول این ماده خارج است.

۲ - منظور از عبارت « سایر وسایل مورد استفاده نیروهای مسلح » هروسيله جزئی و مصرفی نمی باشد بلکه وسایل و لوازمی است که غالباً کاربری نظامی دارد و بطور متعارف در جاهای دیگر کاربردی ندارد.

ماده ۷۳ - هر نظامی که به طرف دشمن فرار نماید و موجب شکست جبهه اسلام یا تقویت دشمن گردد به مجازات محارب و در غیر اینصورت به سه تا پانزده سال حبس محکوم می شود .

ماده ۷۴ - فرار بیش از دو نفر که با تبانی قبلی صورت گیرد فرار یا توطئه محسوب می گردد و چنانچه عنوان محاربه بر اقدام آنان صادق باشد به مجازات محارب محکوم و در غیر این صورت مجازات آن در زمان جنگ سه تا پانزده سال و در زمان صلح دو تا پنج سال حبس می باشد.

نکته :

این ماده شامل مواردی است که اولاً افرادی که اقدام به فرار نموده اند حداقل سه نفر یا بیشتر از آن باشند ثانیاً فرار با تبانی قبلی صورت گیرد.

ماده ۷۵ - محصلان مراکز آموزشی و اعضای پیمانی که طبق مقررات استخدامی نیروهای مسلح خدمت پیمانی را به صورت نظامی یا کارمند انجام می دهند و بسیجی ویژه تابع مقررات مربوط به اعضای ثابت و کارکنان خرید خدمت نیروهای مسلح و سایر بسیجیان در زمان خدمت از لحاظ کیفر مندرج در این فصل تابع مقررات مربوط به کارکنان وظیفه می باشند.

نکته :

در عبارت «از لحاظ کیفر مندرج در این فصل» که منظور کیفر مقرر در فصل فرار از خدمت می باشد تکلیف کیفر مشخص شده ولی تکلیف تتمیم و تخفیف مجازات تعیین نگردیده است.

از آنجا که تبدیل و تخفیف مجازات از تبعات کیفر و فرع بر مجازات است بنابراین در متمم و تخفیف نیز از مقررات مربوطه تبعیت خواهد شد.

ماده ۷۶ - منظور از عذر موجه مندرج در این قانون مواردی است از قبیل :

الف - بیماری مانع از حضور.

ب - فوت همسر، پدر، مادر، برادر، خواهر، و اولاد (درزمانیکه عرفاً برای مراسم اولیه ضرورت دارد) و همچنین بیماری سخت یکی از آنان (در صورتی که مراقب دیگری نباشد و به مراقبت وی نیاز باشد)

ج - ابتلاء به حوادث بزرگ مانند حریق، سیل و زلزله

د- در توقیف یا حبس بودن

تبصره - هر نظامی که به حوادث مذکور در بندهای (الف)، (ب) و (ج) این ماده مبتلا گردد موظف است در اولین فرصت ممکن، مراتب را به یگان اطلاع و حسب مورد نسبت به اخذ مرخصی استعلاجی، استحقاقی و امثال آن اقدام نماید. در صورتی که امکان اخذ مرخصی وجود داشته باشد و اقدام نکند، همچنین اگر پس از برطرف شدن عذر و سپری شدن مدتی که عرفاً برای آن حادثه ضرورت دارد خود را معرفی ننماید با توجه به مدت غیبت حسب مورد طبق مقررات انضباطی یا کیفری با او رفتار خواهد شد.

نکته:

۱- هدف از تقنین چنین ماده‌ای توجه به اهمیت وظایف محوله بر عهده یگانهای نظامی و تحکیم انضباط و انتظام در آنها بوده است.

۲ - اگر برای یک نظامی عذر موجهی پیش بیاید که مانع حضور وی در سر خدمت گردد چند حالت متصور است:

الف - امکان اخذ مرخصی یا اطلاع به یگان متبوع را داشته باشد و اقدام کند در اینصورت برابر مقررات مربوط با وی رفتار می‌شود.

ب - اطلاع دهد و تقاضای مرخصی نماید لیکن فرمانده یا مسوول مربوطه ترتیب اثر ندهد یا با تقاضا موافقت نکند و برای چنین فردی فرار از خدمت گزارش شود مرجع قضایی باید نسبت به بررسی و اجراز صحت ادعا اقدام و تصمیم مقتضی قضایی را اتخاذ نماید .

ج - بر غم امکان اطلاع یا اخذ مرخصی اقدامی نکند و مرتکب فرار از خدمت گردد برخی معتقدند باید عذر موجه نادیده گرفته شود و کل مدت به عنوان فرار از خدمت لحاظ شود و عده دیگر عقیده دارند به تبعیت از قاعده تفسیر قانون به نفع متهم باید مدت متعارفی را به عنوان عذر موجه تلقی و از فرار ارتكابی کسر و برای این مدت قرار منع پیگرد یا رأی برائت صادر نمود و نسبت به مابقی فرار با مد نظر قرار دادن اینکه به حد نصاب می‌رسد یا نه در هر مورد تصمیم مقتضی اتخاذ نمود.

ماده ۷۷ - کارکنان فراری نیروهای مسلح تا رسماً خود را برای ادامه خدمت به یگان مربوط معرفی نمایند فرارشان استمرار خواهد داشت و در صورتی که در اثناء فرار یکی از عذر های موجه حادث شود برای مدت زمان عذر موجه مجازات نخواهند شد ولی مجموع فرار قبل و بعد از حدوث عذر، یک فرار متوالی و مستمر محسوب می‌شود .

در صورتی که پس از صدور رأی نهایی دادگاه و ابلاغ آن، خود را به یگان مربوط معرفی نمایند فراری محسوب و به اتهام فرار مجدد نیز تعقیب خواهند شد.

نکته:

۱ - در قانون سابق چنانچه عذر موجهی در خلال فرار از خدمت حادث می‌گردید نص صریح قانونی وجود نداشت تا تکلیف را مشخص کند و در عمل رویه‌های مختلف و گاه متهافتی اتخاذ می‌گردید که ماده (۷۷) این خلاء قانونی را پر کرده است .

۲ - اگر در اثنای فرار عذر موجهی حادث شود مانع استمرار فرار نخواهد بود:

۳ - سابق براین چنانچه بین فرار عذری حادث می‌شد برای هرکدام از فرارهای قبل و بعد از عذرو برای مدت زمان عذر موجه قرار جداگانه‌ای صادر و چنانچه هرکدام از فرارهای قبل و بعد به حد نصاب می‌رسید برای مرتکب دو مرحله فرار محسوب با اعمال مقررات تعدد مادی برای وی مجازات تعیین می‌گردید. برابر این ماده مجموع فرار قبل و بعد از عذر یک مرحله تلقی می‌شود اما اینکه جمع شدن مدت فرار منوط به حد نصاب رسیدن هریک از طرفین عذر می‌باشد یا خیر در این خصوص سه نظریه وجود دارد:

الف - مدت فرار از خدمت قبل و بعد از عذر موجه اگر به حد نصاب فرار از خدمت رسیده باشند با هم جمع می‌شوند و الا جمع نمی‌شوند. چنانچه مجموع فرار به بیش از شش ماه برسد موجب اخراج از خدمت نیز می‌شود.

ب - مدت فرار از خدمت قبل و بعد از عذر موجه هرچند هرکدام به تنهایی به حد نصاب فرار از خدمت نرسیده باشند با هم جمع می‌شوند. در این مورد نیز چنانچه مجموع فرار زاید بر شش ماه گردد موجب اخراج از خدمت می‌شود.

ج - مدت فرار از خدمت قبل و بعد از عذر موجه هرچند هرکدام به تنهایی به حد نصاب فرار نرسیده باشند و هم چنین مدت عذر موجه با هم جمع می‌شوند و چنانچه مجموع این مدتها زاید بر شش ماه شود منجر به اخراج از خدمت می‌شود.

نظر به اینکه مقنن در عبارت « مجموع فرار قبل و بعد از حدوث عذر » از کلمه « فرار » استفاده کرده و احتمالاً به مفهوم و مصداق آن عنایت داشته باید گفت نظر اول مقرون به صواب است و با قاعده تفسیر به نفع متهم نیز همخوانی دارد. گرچه گاهی مقنن در استفاده از الفاظ مسامحه دارد.

۴ - اگر فرد نظامی در زمان حاکمیت قانون سابق مرتکب فرار از خدمت بیش از ۶ ماه گردد و در اثنای فرار عذر موجه داشته باشد باید از مقررات ماده (۱۱) ق. مجازات اسلامی استفاده نمود و قانونی که مساعدتر است مورد استناد قرار گیرد و از آنجا که قانون جدید از این نظر مساعد بحال متهم نیست باید قانون سابق که در زمان وقوع جرم حاکمیت داشته اعمال شود.

۵ - مطابق این ماده متهم باید خود را به یگان خدمتیش معرفی نماید تا استمرار فرار وی قطع شود لذا صرف معرفی کردن خود معرفی را به دادسرای نظامی قاطع فرار تلقی نبوده و تا زمانی که بعد از آن به یگان خدمتیش مراجعت ننماید فرار وی استمرار خواهد داشت.

ماده ۷۸ - هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسؤول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوء نیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا جرایم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذی صلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارشها و جرایم را به موقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم می شود:

الف - چنانچه اعمال فوق موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب.

ب - در صورتی که موضوع را با امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال.

ج - در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره ۱ - چنانچه اعمال مذکور موجب خسارات مالی گردد، مرتکب علاوه بر مجازات فوق به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه اعمال مورد اشاره در بندهای "ب" و "ج" این ماده در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری باشد، در صورتی که موجب جنایت بر نفس یا اعضا شده باشد، مرتکب به نصف حداقل، تا نصف حداکثر مجازاتهای مزبور محکوم خواهد شد و در غیر این صورت، طبق آیین‌نامه انضباطی عمل می‌شود. پرداخت دیه طبق مقررات قانون دیات می‌باشد.

نکته:

۱ - در این ماده نسبت به ماده (۵۷) ق. مجازات جرایم نیروهای مسلح سابق^(۲۸) عبارتهای ذیل اضافه شده است:

- سوء نیت؛
 - عمداً جرایم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذیصلاح گزارش ندهد؛
 - عدم اعلام بموقع گزارشها و جرایم ارتكابی.
- ۲ - در خصوص بند "الف" این ماده، با توجه به شرایطی که در تبصره ۲ مقرر شده است، دو نظریه وجود دارد:

^{۲۸} - ماده ۵۷ ق.م.ج.ن.م.مصوبه ۷۱: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف حقیقت به فرماندهان یا دیگر مقامات مسوول تقدیم نماید یا حقایق را کتمان کند یا گزارشی با تغییر ماهیت یا بطور ناقص ارائه دهد به ترتیب زیر محکوم می‌شود:.....

الف - اگر اعمال مورد اشاره بر اثر سهل انگاری و بی‌مبالاتی باشد و این امر موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی شود نمی‌توان برای مرتکب مجازات محارب را در نظر گرفت؛ زیرا قانون در این خصوص ساکت است.

ب - چون سهل انگاری و بی‌مبالاتی در ارتکاب اعمال یاد شده موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی شده نمی‌توان نتایج حاصل شده را نادیده گرفت؛ لذا مرتکب، محارب محسوب می‌شود. مضاف بر این‌که، جرم مورد اشاره نسبت به جرایم مندرج در بندهای «ب» و «ج» که برای آنها مجازات در نظر گرفته شد دارای اهمیت بیشتری است و با وحدت ملاک حاصل از ماده (۸۷) همین قانون که در آن صرف ایجاداخلال در نظام یا شکست جبهه اسلام را برای اعمال مجازات محارب کافی دانسته، می‌توان مرتکب را در چنین مواردی به مجازات محارب محکوم نمود.

۳ - مجازات مندرج در تبصره «۲» که در قالب نصف حداقل تا نصف حداکثر بیان شده، چون مجازات قانونی جرم تلقی شده در نتیجه، با احراز کیفیات مخفیه می‌توان اعمال تخفیف نمود.

ماده ۷۹ - هر نظامی که موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی برخلاف مقررات فراهم سازد و یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی است در فهرست مشمولان ذکر نگردد و یا شخصاً یا به واسطه دیگری اقدام به صدور گواهی یا تصدیق‌نامه خلاف واقع در امور نظام وظیفه یا غیر آن نماید، چنانچه اعمال مذکور به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد، به حبس از یک تا پنج سال و یا شش میلیون (۶/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - هرکس با علم و اطلاع، از اوراق و تصدیق نامه‌های خلاف واقع مذکور در این ماده استفاده نماید و یا امتیازاتی کسب کند، به حبس از شش ماه تا سه سال و یا سه میلیون (۳/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هجده میلیون (۱۸/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم و در هر صورت امتیاز مکتسبه لغو می‌گردد.

تبصره ۲ - مرتکبان جرایم مذکور، چنانچه برای انجام اعمال فوق مرتکب جرم ارتشا نیز شده باشند، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردند.

نکته:

۱ - قید «هرکس» در ابتدای تبصره «۱» ممکن است در مورد مرجع صالح رسیدگی موجب ابهام شود؛ اما از آنجا که در این موارد جرم غالباً مرتبط است و ملازمه وجود دارد، رسیدگی در سازمان قضایی منع قانونی ندارد و چنانچه ملازمه و ارتباطی احراز نشود، جرم در محاکم عمومی قابل رسیدگی است و استناد محاکم عمومی به قانون حاضر نیز در صورتی که در قوانین عمومی مصداقی نداشته باشد بلامانع است.

۲ - با استفاده از مواد (۶۰) و (۶۱) ق. خدمت وظیفه عمومی^(۲۹) که مفهومی عامتر از ماده (۷۹) این قانون دارد؛ چون علاوه بر اینکه شامل کلیه جرایم ذکر شده در ماده (۷۹) می‌شود، جرایم دیگری از قبیل کتمان حقیقت و ... را نیز شامل می‌شود. لذا می‌توان در موارد سکوت

^{۲۹} - ق. خدمت وظیفه عمومی مصوب ۶۳/۷/۲۹:

- کسانی که با ارتکاب اعمالی چون جعل شناسنامه، مهر، امضاء، کارت پایان خدمت، کارت معافیت، استفاده از شناسنامه دیگران، اعمال نفوذ، شهادت کذب، گواهی خلاف واقع، مکتوم داشتن حقیقت، اخذ رشوه، یا فریب دادن مشمول موجبات معافیت خود. با دیگران را از خدمت وظیفه عمومی فراهم سازند، به اتهام آنان در دادگاه صالحه رسیدگی شده و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید به حبس تعزیری از یکسال تا پنج سال محکوم می‌شوند.

از خدمات دولتی با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید به حبس تعزیری از ۳ تا ۷ سال محکوم خواهند شد.

ماده (۷۹) با استفاده از عبارت کلی « فراهم کردن موجبات معافیت » به استناد همین ماده برای مرتکبین مجازات تعیین کرد. (چون موجبات معافیت از راههای گوناگون فراهم می شود.)

۳- از آنجا که نظامیان مشمول مقررات ماده (۶۱) ق. خدمت وظیفه عمومی می باشند و مجازات آن ۳ تا ۷ سال حبس بوده و اشد از مجازات ماده (۷۹) ق.م.ج.ن.م. می باشد؛ بنابراین، نمی توان مواد (۶۰) و (۶۱) ق. خدمت وظیفه عمومی را با ماده (۷۹) مرقوم منسوخ دانست.

ماده ۸۰ - هر نظامی که اسلحه و یا اجزای آن یا مهمات یا مواد منفجره یا محترقه متعلق به دولت را که برحسب وظیفه به او سپرده شده و یا به نحوی به آن دسترسی پیدا کرده، بفروشد یا به رهن بگذارد یا به نحو دیگری مورد معامله قرار دهد یا با سوء نیت مخفی نماید، به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.

نکته:

۱- با توجه به عمومیت این ماده و شمول آن بر فروش، رهن گذاشتن، انواع معامله، مخفی کردن با سوء نیت اموالی که به نحوی به آن دسترسی پیدا کرده، ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر دسترسی به اموال مذکور در این ماده از طرق مجرمانه ای مانند سرقت و امثال آن حاصل شده باشد، آیا برای مرتکب تنها مجازات جرم اصلی در نظر گرفته می شود یا علاوه بر آن، چنانچه طریق تحصیل یا دسترسی نیز مجرمانه باشد و مثلاً از طریق سرقت دسترسی پیدا کرده باشد، به مجازات چنین جرایمی نیز محکوم می شود و مورد از مصادق تعدد مادی است؟ عده ای با حاکم دانستن قاعده تفسیر به نفع متهم تنها مجازات جرم اصلی را برای مجرم

=====

قابل اعمال می‌دانند. یک عقیده دیگر مبتنی بر آن است که ماده مذکور صرفاً در مقام توصیف کیفری بودن انجام معامله یا اختیار اموال می‌باشد و این امر منافاتی با اعمال مجازات دیگری که مترتب بر ارتکاب جرم ثانوی است ندارد؛ چون اثبات شیء (توصیف مجرمانه) نفی ماعدا (ارتکاب سایر جرایم) نمی‌کند. مضاف بر این که، عمل مجرمانه‌ای چون سرقت، اختلاس و خیانت در امانت، عناوین مستقلی هستند که ملازمه‌ای با تصرفات بعدی مانند فروش و معامله ندارند، پس تعیین دو مجازات بلا اشکال است.

۲ - برخی از اساتید مانند دکتر میر محمد صادقی، در مبحث «مداخله در مال سرقتی» در صوتی که سارق شخصاً مال سرقتی را مورد معامله قرار دهد. عمل وی را مشمول ماده (۶۶۲) ق. تعزیرات^(۳۰) دانسته و تعیین دو مجازات را برای سارق تجویز می‌کنند و تنها «اخفای مال مسروق» توسط سارق را قابل مجازات مجزا نمی‌دانند؛ چون در همه موارد، اخفای مال مسروقه با سرقت ملازمه دارد و سارقین همیشه مال سرقتی را مخفی می‌نمایند.

ماده ۸۱ - هر نظامی که مرکب یا وسایل نقلیه یا سایر اموال متعلق به دولت یا در اختیار دولت را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده و یا به هرنحو به آن دسترسی پیدا کرده بفروشد یا به رهن بگذرد یا به نحو دیگری مورد معامله قرار دهد یا با سوء نیت مخفی نماید، به حبس شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

ماده ۸۲ - هر نظامی، البسه نظامی را که برای خدمت به او سپرده شده است و فروش و یا هر نوع معامله دیگری در مورد آن از نظر سازمان مربوط غیر مجاز باشد، بفروشد یا به نحو دیگری مورد معامله قرار دهد، به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌شود.

^{۳۰} - ماده (۶۶۲) ق. تعزیرات: هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قراردادده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.

نکته:

۱- منظور از البسه نظامی لبا سهایی است که نظامیان اجازه استفاده از آنها را دارند، لیکن مجازبه فروش و معامله آنها نمی باشند و این البسه برای استفاده های خاص به آنان سپرده شده است و باید بعد از استفاده مسترد نمایند.

۲ - چنانچه لباس نظامی توسط خود وی تهیه شده باشد فروش یا هر معامله دیگری در مورد آن بلامانع است .

ماده ۸۳ - هر نظامی که اسلحه و مهمات یا وسایل و لوازم نظامی متعلق به دولت یا در اختیار دولت را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به مصرف غیر مجاز برساند یا مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد یا بدون اجازه و برخلاف مقررات در اختیار دیگری بگذارد یا به علت اهمال یا تفریط موجب نقص یا تضییع آنها گردد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد.

ماده ۸۴ - هر نظامی که سایر وسایل و اموال و وجوه متعلق به دولت یا در اختیار دولت را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به مصرف غیرمجاز برساند یا مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد یا بدون اجازه و برخلاف مقررات در اختیار دیگری بگذارد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون برای آن اعتبار منظور نشده است و یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

نکته:

۱- ماده (۸۳) علاوه بر تعرضات عمدی به اموال، اهمال و تفریط را نیز متذکر شده است؛ ولی ماده (۸۴) متعرض اهمال و تفریط نگردیده است. حال اگر فرد نظامی به غیر از اسلحه و

مهمات به سایر اموالی که برحسب وظیفه هم به او سپرده نشده، د رائر سهل انگاری و بی احتیاطی خسارتی وارد نماید یا چنین اموالی را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد یا به مصرف غیر مجاز برساند، تکلیف چیست؟ در پاسخ، برخی معتقدند مشمول ماده (۸۵) این قانون می شود؛ زیرا مراد مقنن از آوردن عبارت « مذکور در ماده ۸۴ » در ماده (۸۵) صرف اشاره به اموال بوده است و سایر قیدهای ذکر شده در ماده (۸۴) را شامل نمی شود؛ در نتیجه، لازم نیست این اموال بر حسب وظیفه به مرتکب سپرده شده باشد و عده ای را عقیده بر آن است که عبارت ذکر شده، کلیه قیود و شرایط مندرج در ماده (۸۴) را در برمی گیرد و اعمال مجازات صرفاً منوط به سپرده شدن اموال برحسب وظیفه است؛ و اقلیتی معتقدند در این قبیل موارد می توان به ماده (۵۹۸) ق. تعزیرات^(۳۱) استناد نمود.

به نظر می رسد، نظریه اخیر صائب نباشد؛ چون اولاً: د رماده (۵۹۸) نیز قید سپرده شدن برحسب وظیفه وجود دارد. ثانیاً: ماده (۵۹۸) فرع بر بحث اختلاس است که در اختلاس نیز قید سپرده شدن بر حسب وظیفه شرط تحقق جرم است؛ با این تفاوت که در اختلاس، اموال سپرده شده برداشت و تملک می شود، ولی در ماده (۵۹۸) برداشت و تملک شخصی در کار نیست و استفاده و مصرف غیر مجاز مطرح است و مؤید این برداشت، ماده (۷۶) ق. تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ می باشد که در ذیل ماده (۷۵) همان قانون و در ادامه مبحث

۳۱ - ماده (۵۹۸) ق. مجازات اسلامی (تعزیرات): هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها یا شوراها و یا شهرداری ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضای کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و وجه نقدی یا مطالبات یا حوالات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

=====

اختلاس ذکر شده بود. نهایتاً، می‌توان گفت. مورد ذکر شده مشمول ماده (۵۹۸) نیز نمی‌شود، بلکه از مصادیق مسئولیت مدنی است.

۲ - تضييع اموال، اعم از مفقود شدن و ايراد هرگونه خسارتي است.

۳ - صرف سپرده شدن اموال و لوازم نظامي به فرد کفايت مي‌کند و منوط به تحويل و تحول رسمي و مکتوب نمی‌باشد .

۴ - اگر فرد نظامي خودروي نظامي را که تحويل ديگري بوده بدون مجوز و هماهنگي برداشته و مورد استفاده غير مجاز قراردهد، اين عمل نوعي ربودن است و مشمول ماده (۶۶۵) ق . مجازات اسلامي^(۳۲) می‌باشد.

ماده ۸۵ - هر نظامي که به علت اهمال يا تفریط موجب نقص يا تضييع اموال مذکور در ماده (۸۴) اين قانون شود و خسارت وارده بيش از مبلغ ده ميليون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ريال باشد، به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

در صورتي که خسارت وارده کمتر از اين مبلغ باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده، با وي مطابق آيين نامه انضباطي رفتار می‌شود.

نکته:

۱ - از آنجا که برابر ماده، ايراد خسارت ناشي از اهمال و تفریط تا مبلغ ده ميليون ريال فاقد وصف مجرمانه است؛ در مواردی که خسارت کمتر از ده ميليون ريال باشد و جرم قبل از

۳۲ - ماده (۶۶۵) ق. مجازات اسلامي (تعزیرات): هرکس مال ديگري را بربايد و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا يك سال محکوم خواهد شد و اگر در نتيجه اين کار صدمه‌ای به مجنی‌عليه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

لازم الاجرا شدن این قانون تحقق یافته باشد، چون مورد از مصادیق نسخ قانون جزاست، موقوفی تعقیب صادر می شود و اخذ خسارت و برخورد انضباطی با خاطی برعهده یگان است. چنانچه در شرایط یادشده، جرم بعد از لازم الاجرا شدن این قانون اتفاق افتد، چون عمل فاقد وصف جزایی گردیده است در نتیجه، باید منع تعقیب صادر گردد. در این مورد نیز اخذ خسارت و اعمال تنبیه بایگان مربوط است.

۲ - چنانچه بعد از لازم الاجرا شدن قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲، گزارش خسارت کمتر از ده میلیون ریال به دادسرای نظامی ارسال شود. مقام ارجاع می تواند پرونده را بدون ارجاع به شعب تحقیق یا اظهار نظر قضایی، با ذکر توضیحات لازم به یگان مربوط اعاده نماید.

۳- تضییع شامل تلف کلی یا جزئی و مفقود کردن و امثال آن می باشد.

۴- برابر بند "ک" ماده (۴) قانون تشکیل وزارت دفاع مصوب ۱۳۶۸،^(۳۳) در مواردی که خسارت کمتر از ده میلیون ریال باشد و مقصر از پرداخت و جبران آن استتکاف نماید، وزارت دفاع که مسئول اخذ خسارت می باشد، می تواند از طریق محاکم عمومی اقامه دعوا کند.

۵- با توجه به اهمیت سلاح و مهمات، مقنن برای خسارت وارد شده به این قبیل ارقام نظامی، ولو اینکه در حد یک تیرفشنگ بوده و خسارت در اثر سهل انگاری باشد، مجازات تعیین نموده است. در حالی که نسبت به دیگر ارقام مورد استفاده نیروهای مسلح، چنانچه میزان خسارت کمتر از ده میلیون ریال باشد موضوع را فاقد وصف جزایی دانسته است.

۶- برابر ماده (۸۵) برای خسارت بیش از ده میلیون ریال، مجازات تعیین شده است. در نتیجه، چنانچه خسارت ده (۱۰) میلیون ریال یا کمتر از آن باشد مشمول مجازات نخواهد بود.

۳۳ - بند ک ماده (۴) ق. تشکیل وزارت دفاع مصوب ۶۸: دفاع از حقوق نیروهای نظامی و وزارت و سازمانهای وابسته به آنها در مراجع قضایی.

ماده ۸۶ - تشخیص این که وسایل و لوازم مذکور در این فصل جزء وسایل و لوازم نظامی است، به عهده کارشناسان نظامی ذی ربط در هر مورد می‌باشد و دادگاه در صورت لزوم نظر کارشناسان مزبور را کسب خواهد کرد.

ماده ۸۷ - هرگاه اعمال مذکور در این فصل موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.

نکته:

۱- در این ماده، صرف ایجاد اخلال در نظام یا شکست جبهه اسلام، برای اعمال مجازات محارب کافی دانسته شده؛ در حالی که در برخی موارد ذکر شده در این فصل از قبیل ماده (۸۵) جرم ارتكابی فاقد عنصر روانی و سوء نیت خاص است و موضوع خالی از تأمل نیست. در قانون سابق، وضع چنین ماده‌ای بدین صورت سابقه نداشته‌است.

ماده ۸۸ - هر نظامی که اسلحه و مهمات و مواد منفجره متعلق به دولت یا در اختیار ردولت را سرقت نماید، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

نکته:

۱ - اشیاء اعم از مال و غیر آن می‌باشند؛ حتی اگر از نظر شرعی فاقد ارزش و مالیت باشند، مانند مواد مخدر.

ماده ۸۹ - هر نظامی که وسایل و لوازم نظامی و (غیر از سلاح و مهمات و مواد منفجره) و وجوه و اجناس یا اشیای متعلق به دولت یا آنچه در اختیار نیروهای مسلح است را سرقت نماید، به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد.

ماده ۹۰ - هرگاه بزه‌های ارتكابی مذکور در مواد (۸۸) و (۸۹) این قانون، در موقع اردوکشی یا مأموریت آماده باش رزمی یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی باشد یا سرقت آن در مأموریت محوله یگان، مؤثر و در آن ایجاد اخلاص نماید و یا یک یا چند نفر از آنان در حین سرقت، حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشند یا حرز را شکسته باشند، مرتکبان به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردند.

نکته:

۱- این ماده از یک سو دربارهٔ اغلب سرقت‌های خاصی که در قانون مجازات اسلامی ذکر شده ساکت است و از سوی دیگر، برخلاف قانون پیشین مجازات جرایم نیروهای مسلح، برای برخی از صور خاص سرقت مجازات تعیین نموده‌است. حال این سؤال پیش می‌آید که در موارد مسکوت، آیا باید به قانون مجازات اسلامی استناد نمود یا اطلاق ماده به موارد سکوت نیز قابل تسری است و می‌توان برابر همین ماده. مجازات تعیین کرد؟ این در حالی است که برای بعضی از صور سرقت‌های خاص مانند سرقت مقرون به پنج شرط در قانون مجازات اسلامی نسبت به ماده (۹۰) این قانون، مجازات شدیدتری در نظر گرفته شده‌است. به عنوان مثال: در ماده (۶۵۱) مجازات اسلامی^(۳۴) برای سرقتی که مقرون به پنج شرط باشد، پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده‌است.

۳۴ - ماده ۶۵۱ ق. مجازات اسلامی: هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد:

- ۱ - سرقت در شب واقع شده‌باشد.
- ۲ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- ۳ - یک یا چند نفر از آن‌ها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.
- ۴ - از دیوار بالارفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کاربرده یا این که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.
- ۵ - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده‌باشند.

=====

به نظر می‌رسد در موارد سکوت، چاره‌ای جز استناد به قانون مجازات اسلامی نداریم و نمی‌توان به اطلاق ماده (۹۰) تمسک نمود.

۲- برای تحقق جرم موضوع این ماده، صرف همراه داشتن سلاح کفایت می‌کند و فرقی نمی‌کند در اینکه همراه داشتن سلاح مجاز باشد یا غیر مجاز، طرف مقابل بترسد یا نه و سلاح ظاهر باشد یا مخفی؛ و این موارد تأثیری در ماهیت جرم ندارند.

۳- ارتکاب یافتن جرم در روز یا شب تأثیری در ماهیت موضوع ندارد.

ماده ۹۱- هر نظامی، بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط نیروهای مسلح مندرج یا در اماکن نظامی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده را بر باید، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - چنانچه امانت دار یا مستحفظ، مرتکب جرم فوق شود، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ - هرگاه در اثر بی احتیاطی، بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط مباشر ثبت و ضبط اسناد یا امانت دار و مستحفظ، جرم فوق واقع و یا اسناد و مدارک و نوشتجات مفقود یا تخریب گردد، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

نکته:

- ۱- این ماده، از ماده (۵۴۴) ق. مجازات اسلامی^(۳۵) اقتباس شده است.
- ۲- اگر اسناد و اوراق و دفاتر نزد امانت دار یا حتی مستحفظ باشد، دیگر ربایش مفهومی نخواهد داشت. به نظر می‌رسد در تبصره یک این ماده، مقنن در استفاده از اصطلاح «برباید» نوعی مسامحه داشته است، مگر اینکه قایل شویم نوع خاصی از ربودن با کیفیات مخصوص به خود را که در کاربرد عامیانه به صورت کش رفتن، کف رفتن و بلند کردن استعمال می‌شود، مدنظر داشته است که در رابطه با اسناد و اوراق میسر است.
- ۳- محقق شدن جرم در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی به شرح تبصره «۲» این ماده، در قانون مجازات اسلامی و مواد (۵۴۴) و (۵۴۵)^(۳۶) لحاظ نشده است.
- ماده ۹۲ - هرگاه بزه‌های فوق موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یاشکست جبهه اسلام گردد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.
- ماده ۹۳ - هر نظامی که عمداً تأسیسات یا ساختمانها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آنها یا انبارها یا وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه یا مهمات یا مواد منفجره را آتش بزند یا تخریب کند یا از بین ببرد یا دیگری را وادار به آن نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

^{۳۵} - ماده ۵۴۴ ق. مجازات اسلامی: هرگاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاص که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آن‌ها جرم مذکور وقوع یافته است به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

^{۳۶} - ماده ۵۴۵ ق. مجازات اسلامی: مرتکبین هریک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق‌الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت یا اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) یا شکست جبهه اسلام باشد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌گردد.

تبصره ۲- تخریب امکانات و تأسیسات به منظور عدم دستیابی دشمن به هنگام عقب‌نشینی طبق دستور لازم الاجراء، از شمول این ماده مستثناست.

ماده ۹۴- هر نظامی که غیر از موارد یاد شده در ماده (۹۳) این قانون، عمداً سایر اموالی را که در اختیار نیروهای مسلح است، آتش بزند یا تخریب یا تلف کند یا دیگری را وادار به آن نماید، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود؛ و اگر عمل وی موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب محکوم می‌شود.

نکته:

۱- در مواد (۹۳) و (۹۴) اهمیت عمل ارتكابی، مدنظر مقنن بوده است، نه ایراد خسارت. بنابراین، صرف ارتكاب اعمال مجرمانه ملاک است، هر چند خسارت وارد شده ناچیز باشد؛ اما میزان خسارت وارد شده می‌تواند در تعیین میزان مجازات مد نظر قرار گیرد.

ماده ۹۵- هر نظامی که حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دستخط فرماندهی کل قوا را به اعتبار مقام وی جعل کند یا با علم جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

نکته:

۱- مفهوم مخالف این ماده این است که اگر یک نظامی، حکم یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط مقام معظم رهبری را به اعتبار شخص یا حتی مقام رسمی ایشان (غیر از فرماندهی کل قوا) جعل یا از این مدرک جعلی استفاده کند، مشمول ماده (۹۵) نمی‌باشد و باید به ماده (۵۲۴) ق. مجازات اسلامی^(۳۷) استناد نمود.

۲- برابراین ماده، چنانچه جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده نماید، دو جرم جداگانه تلقی می‌شود.^(۳۸)

۳- در کلیه مواردی که جاعل غیرنظامی باشد و استفاده‌کننده از سند مجعول نظامی باشد یا بالعکس، فرد نظامی به استناد این قانون و شخص غیرنظامی به استناد قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شود.

ماده ۹۶- هر نظامی که حکم یا امضا یا مهر یکی از فرماندهان یا مسئولان نیروهای مسلح در رده فرمانده نیرو یا همتراز و بالاتر را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۹۷- هر نظامی که حکم یا امضا یا مهر سایر فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد.

۱- در مواردی که یک نظامی حق صدور حکم ندارد (مانند فرمانده گروهان) جعل نمودن حکم او مشمول مواد (۹۶) و (۹۷) نمی‌شود.

^{۳۷} - ماده ۵۲۴ ق. مجازات اسلامی. هرکس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

^{۳۸} - ماده ۷۵ ق. سابق م.ج.ن.م- هر نظامی که امضای یکی از فرماندهان یا مسوولین نیروهای مسلح را جعل یا با علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد اعم از اینکه بالمباشره باشد یا به واسطه به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌گردد.

۲- ماده (۷۵) قانون سابق، در این قانون به دو ماده (۹۶) و (۹۷) تفکیک گردید و جعل حکم یا مهر نیز به جعل امضا اضافه شده است.

ماده ۹۸- هر نظامی که بامباشرت یا به واسطه، مهریکی از نیروهای مسلح را جعل کند یا علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد، به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.

ماده ۹۹- هر نظامی که بامباشرت یا به واسطه، منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم می گردد.

ماده ۱۰۰- هر نظامی که مهر یا تمبر یا علامت یکی از نیروهای مسلح یا سازمانها یا ادارات و شرکتها ی وابسته به آنها را بدون مجوز به دست آورده و به صورت غیر مجاز استفاده کرده یا موجبات استفاده آن را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.

ماده ۱۰۱- هر نظامی که از مهر، تمبر یا علایم مذکور در مواد قبل این فصل که به او سپرده شده به صورت غیرمجاز استفاده کند یا سبب استفاده شود، علاوه بر جبران خسارت وارد شده، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد.

ماده ۱۰۲- مرتکبان جرایم مذکور در مواد قبل این فصل، هرگاه قبل از تعقیب. مراتب را به مسئولان ذی ربط اطلاع بدهند و سایر مرتکبان را معرفی کنند یا بعد از تعقیب، وسایل دستگیری آنان را فراهم نمایند. با توجه به نوع عمل ارتكابی، دادگاه مجازات آنان را تخفیف داده یا آنان را از مجازات معاف خواهد کرد.

نکته:

۱- این که در خصوص تخفیف مقرر در این ماده، قاضی اختیار تخفیف به هرمیزانی را دارا می‌باشد یا باید در چارچوب مقرر (تا یک سوم حداقل مجازات) تخفیف دهد، ابهام وجود دارد؛ ولی اطلاق ماده مستلزم رعایت این چارچوب می‌باشد. اگر چه با قیاس اولویت می‌توان گفت. اگر قاضی حق معاف کردن از مجازات را داشته باشد به طریق اولی می‌تواند به هرمیزان که مصلحت اقتضا کند (حتی تا کمتر از یک سوم حداقل) تخفیف دهد.

۲- معاف نمودن یا تخفیف مجازات برای قاضی الزامی است و قاضی نمی‌تواند در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده، از معاف کردن مجرم از مجازات یا تخفیف استنکاف نماید.

ماده ۱۰۳- هرنظامی که در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و آمار و محاسبات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی مربوط به امور نظامی و یا راجع به وظایفش، جعل یا تزویر کند، اعم از اینکه امضا یا مهری را ساخته و یا امضا یا مهری را خطوطی را تحریف کرده یا کلمه‌ای را الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌گردد.

ماده ۱۰۴- هرنظامی که در تحریر نوشته‌ها، قراردادها و مقاله‌نامه‌های راجع به وظایفش مرتکب جعل یا تزویر شود، اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهد یا گفته و نوشته یکی از مقامات یا تقریرات یکی از طرفها را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده اقرار شده جلوه دهد، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده ۱۰۵- هرنظامی که اوراق مجعول مذکور در مواد (۱۰۳) و (۱۰۴) این قانون را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد. به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

ماده ۱۰۶ - هر نظامی که به مناسبت انجام وظیفه، به یکی از طریق مذکور در اسناد و

نوشته‌های غیررسمی، جعل یا تزویر کند، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

ماده ۱۰۷ - هر نظامی که اوراق مذکور در ماده (۱۰۶) این قانون را با علم به جعلی بودن

آنها مورد استفاده قرار دهد، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

ماده ۱۰۸ - هر نظامی که عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا

امر به ساختن آن برای نیروهای مسلح بوده و به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین

مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز،

نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند یا موجب ضرر نیروهای مسلح گردد. علاوه

بر جبران خسارت وارده و جزای نقدی معادل بهای مال مورد تدلیس. به ترتیب زیر

محکوم می‌شود:

الف - در صورتی که سود حاصله یا ضرر وارده تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد،

به حبس از شش ماه تا دو سال .

ب - چنانچه سود حاصله یا ضرر وارده بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا

یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد. به حبس از یک تا پنج سال.

ج - هرگاه سود حاصله یا ضرر وارده بیش از یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد،

به حبس از دو تا ده سال.

نکته:

- با توجه به اینکه « تحصیل نفع برای خود یا دیگری » از طریق ارتکاب اعمال مجرمانه مقرر

در این ماده مستوجب مجازات دانسته شده است؛ بنابراین، اگر تحصیل منفعت برای خود

مرتکب نباشد. بلکه برای یگان باشد و یگان نظامی از این عمل محرمانه منفعتی کسب کند، باز هم جرم تحقق یافته است.

ماده ۱۰۹ - قبول هرگونه هدیه یا امتیاز یا در صدانه از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال، تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای خارجی و داخلی توسط نظامیان ممنوع است. مرتکب مذکور علاوه بر رد هدیه یا امتیاز یا در صدانه یا معادل آن به دولت، به حبس تعزیری از دو تا ده سال و جزای نقدی برابر هدیه یا امتیاز یا در صدانه محکوم می گردد.

تبصره ۱ - مجازات شروع به این جرم، حداقل مجازات حبس مقرر در این ماده است.
تبصره ۲ - در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله، در صدانه می پردازد، موضوع قبلاً به اطلاع مسئول مربوط رسانیده می شود و وجوه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می گردد. در این صورت اقدام کننده مشمول این ماده نخواهد بود.

نکته:

- از آنجا که مجازات مقرر در این ماده « دو تا ده سال حبس » می باشد، از طرفی در تبصره یک این ماده، مجازات شروع به جرم، حداقل مجازات حبس مقرر در ماده (دو سال) می باشد و این مجازات فاقد حداقل و حداکثر است. بنابراین، این ابهام وجود دارد که در این مورد و در تمام موارد مشابه دیگری که مجازات ثابت و فاقد حداقل و حداکثر می باشد، برای اعمال تخفیف « تا یک سوم حداقل مجازات » چگونه باید عمل کرد؟ نظر غالب این است که خود مجازات ثابت را معادل حداقل در نظر گرفته و به یک سوم مجازات ثابت حکم کنیم. با این

استدلال که تخفیف در واقع کاستن از حداقل مجازاتی است که قانون مقرر کرده است و از این جهت مجازات ثابت با حداقل مجازات غیر ثابت تفاوتی نمی‌کند.

ماده ۱۱۰ - هر نظامی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های مربوط به نیروهای مسلح با دیگران تبانی نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل آنچه برخلاف مقررات تحصیل کرده است محکوم می‌شود.

نکته:

- برای تحقق جرم تبانی در معاملات نیروهای مسلح، نیازی به حصول نتیجه مجرمانه اعم از ورود ضرر به نیروهای مسلح یا انتفاع مرتکب یا دیگری نیست و به عبارت دیگر، جرم مقرر در این ماده «مطلق» می‌باشد، نه «مقید». البته اگر نتیجه مجرمانه هم حاصل شود در آن صورت حکم به جزای نقدی و جبران خسارت طبق ماده (۱۱۰) موضوعیت پیدا می‌کند و الاً فقط به مجازات حبس محکوم می‌شود.

ماده ۱۱۱ - چنانچه بازرسان یا ناظران امور مالی در نیروهای مسلح، در ارتکاب جرایم مندرج در مواد (۱۰۸)، (۱۰۹) و (۱۱۰) این قانون شرکت نمایند، به مجازات مرتکبان اصلی محکوم و اگر پس از کشف یا اطلاع از وقوع، آن را مخفی دارند، به مجازات حبس مرتکبان اصلی محکوم خواهند شد.

ماده ۱۱۲ - هر نظامی که در مواد غذایی و ادویه و مایعاتی که تحت حفاظت یا نظارت او قرارداد شده است به طور مستقیم یا غیرمستقیم تقلب نماید یا عمداً مواد غذایی و ادویه و

=====
 مایعات قلبی را بین نظامیان شخصاً یا به واسطه دیگری تقسیم کند، به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۳ - هر نظامی که با سوءنیت، گوشت حیوانات مبتلا به بیماریهای مسری یا مواد غذایی فاسد یا ضایع شده را به طور مستقیم یا غیر مستقیم بین نظامیان تقسیم نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می شود.

ماده ۱۱۴ - چنانچه اعمال مذکور در مواد (۱۱۲) و (۱۱۳) این قانون، در اثر اهمال و بی توجهی صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد.

ماده ۱۱۵ - در صورتی که در اثر وقوع بزه های مذکور در مواد (۱۱۲) و (۱۱۳) این قانون، لطمه جبران ناپذیری بر نیروهای مسلح یا عملیات نظامی وارد آید، مرتکب به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۶ - چنانچه مرتکب بر اثر ارتکاب جرایم مندرج در این فصل، منافی کسب کرده یا امتیازاتی گرفته باشد، منافع مکتسبه مسترد و امتیازات حاصله لغو می شود.

ماده ۱۱۷ - در تمام موارد مذکور در این فصل، هرگاه اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۸ - هر نظامی برای انجام یا خودداری از انجام امری که از وظایف او یا یکی دیگر از کارکنان نیروهای مسلح است، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را

بلاعوض یا کمتر از قیمت معمول به هر عنوان قبول نماید، اگر چه انجام یا خودداری از انجام امر برخلاف قانون نباشد در حکم مرتشی است و به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

الف - هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و تنزیل یک درجه یا رتبه.

ب - هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و تنزیل دو درجه یا رتبه.

ج - هرگاه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل وجه یا قیمت مال مأخوذ و اخراج از نیروهای مسلح.

نکته:

۱- در خصوص ارتشاو اختلاس نظامیان به طور کلی به این قانون استناد می‌شود و نیازی به استناد به قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌باشد.

۲- از آنجا که مقنن برابر ماده (۱۲۳) این قانون در مورد اختلاس در صورت حصول شرایط صدور بازداشت موقت یک ماهه را الزامی دانسته و سایر شرایط و مقررات راجع به اختلاس و ارتشا را مشترکاً با استفاده از قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت آمده و متعرض بازداشت موقت یک ماهه در مورد مرتشی نگردیده در نتیجه می‌توان گفت قانونگذار برغم آنکه در مقام

بیان بوده متعرض بازداشت موقت الزامی درباره مرتشی نگردیده و بنابراین صدور چنین
قراری الزامی نخواهد بود.

ماده ۱۱۹ - هر نظامی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیا و لوازم و یا سایر اموال
را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید،
مختلس محسوب و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازات زیر
محکوم می‌شود:

الف - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس تا یک میلیون
(۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه
یا بهای مال مورد اختلاس و تنزیل یک درجه یا رتبه.

ب - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون
(۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به حبس از دو تا ده سال و
جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهای مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه یا رتبه.

ج - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس بیش از ده میلیون
(۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه
یا بهای مال مورد اختلاس و اخراج از نیروهای مسلح.

تبصره ۱ - چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد، مرتکب به مجازات
هر دو جرم محکوم می‌شود.

تبصره ۲ - هرکس با علم به اینکه اموال مورد اختلاس فوق‌الذکر به نیروهای مسلح تعلق دارد، آن را خریداری یا در تزییع آن مساعدت نماید، علاوه بر استرداد اموال بر حسب مورد مثل یا قیمت آنها، به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

نکته:

۱ - از نظر حقوقدانان، برابر با رویه قضایی و قوانین پیشین برای تحقق جرم اختلاس مقارنت «برداشت» و «تصاحب» اموال سپرده شده به حسب وظیفه، ضرورت دارد؛ و در این ماده، صرف «برداشت» یا «تصاحب» به تنهایی برای تحقق جرم اختلاس کافی دانسته شده است و این امر مشکلاتی را در عمل به وجود می‌آورد که از جمله آنها تعارض ماده (۱۱۹) با ماده (۸۴) همین قانون می‌باشد؛ زیرا در ماده (۸۴) اشاره به برداشت و هرگونه تصرف غیرمجاز در اموال سپرده شده بر حسب وظیفه توسط نظامی دارد و برای این جرم، مجازات شش ماه تا دو سال حبس را مقرر کرده است.

۲ - نقطه قوت مهم این ماده تعیین تکلیف «خرید اموال اختلاس شده» و جرم تلقی کردن آن با توجه به اهمیت موضوع است. در حالی که حتی قانون مجازات اسلامی و قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری هم از این نظر ساکتند.

ماده ۱۲۰ - چنانچه مرتشی و مختلس مذکور در مواد (۱۱۸) و (۱۱۹) این قانون از نیروهای وظیفه باشد، اخراج منتفی است.

ماده ۱۲۱ - مبالغ مذکور در مواد (۱۱۸) و (۱۱۹) این قانون از حیث تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم، اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ بالغ بر حد نصاب مزبور باشد.

ماده ۱۲۲- چنانچه نظامی مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد کند، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم تنزیل درجه یا رتبه را درباره او اجراء خواهد نمود.

ماده ۱۲۳- هر نظامی که زاید بر یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال اختلاس کند در صورت وجود دلائل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود.

ماده ۱۲۴- در هر مورد از بزه‌های مندرج در مواد (۱۱۸) و (۱۱۹) این قانون، که مجازات حبس برای آن مقرر شده، نظامی مرتکب از تاریخ صدور کیفرخواست از شغل خود معلق خواهد شد. دادسرا مکلف است صدور کیفرخواست را به سازمان ذی ربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به موجب رأی قطعی براءت حاصل کند، ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که به علت تعلیقش نگرفته، دریافت خواهد کرد.

تبصره ۵- فرمانده نیرو یا رئیس سازمان مربوط در نیروهای مسلح و مقامات بالاتر نظامی می‌توانند پس از پایان بازداشت موقت یک ماهه، وضعیت «بدون کاری» - مذکور در قوانین استخدامی نیروهای مسلح - را تا پایان رسیدگی و دادرسی اعمال نمایند.

ماده ۱۲۵- هر نظامی که با سوء استفاده از لباس، موقعیت یا شغل خود به جبر و قهر، دیگری را اکراه به معامله مال یا حق خود نماید یا بدون حق، برمال یا حق دیگری مسلط

شود، علاوه بر رد عین، مثل یا قیمت مال یا حق حسب مورد، به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۶- هر نظامی که علناً نشانها و مدالها و علایم و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود، بدون مجوز یا بدون حق، استفاده نماید؛ یا از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسایی خود برای مقاصد غیرقانونی استفاده کند، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود، مگر اینکه به موجب این قانون و یا قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به آن مجازات محکوم می‌گردد.

تبصره ۵- استفاده از البسه و اشیای مذکور در این ماده، در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده ۱۲۷- هر نظامی در زمان جنگ با دولتی که قرارداد ژنو مورخ ۱۹۴۹ را امضا نموده یا بعداً به آن ملحق شده است، پرچم یا بازوبند یا سایر علایم هلال احمر یا همردیف آن را در منطقه عملیات جنگی بدون حق علناً مورد استفاده قرار دهد، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۸- شروع به جرایم تعزیری جعل و تزویر، سرقت، تخریب یا آتش زدن یا اتلاف تأسیسات یا اسلحه و مهمات یا وسایل و امکانات نیروهای مسلح، تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه، فروش غیرمجاز اموال نیروهای مسلح، ارتشا، اختلاس، اخاذی یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جرم است و مرتکب حسب مورد به حداقل مجازات جرایم مذکور محکوم می‌شود.

تبصره ۱ - در صورتی که عملیات و اقداماتی که شروع به اجرای آن کرده، خود مستقلاً جرم باشد، مرتکب به مجازات همان جرم محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ - هرگاه برای جرایم مذکور در این ماده، مجازات محارب مقرر شده باشد، اقداماتی که شروع به جرم تلقی می‌شود، در صورتی که در این قانون برای آنها مجازاتی تعیین نگردیده باشد، مرتکب آن اقدامات به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۹ - جرایمی که پس از اعلام رسمی خاتمه در گیریهای مستقیم رزمی با دشمن و قبل از امضای قرارداد صلح واقع می‌شود، از نظر این قانون جرم در زمان صلح محسوب می‌گردد.

ماده ۱۳۰ - اعمالی که به موجب ماده (۳۸) و بند "ج" مواد (۴۲)، (۴۳)، (۴۴)، (۵۱) و (۷۸) این قانون صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، توسط ستاد کل نیروهای مسلح ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب فرماندهی کل قوا ابلاغ می‌گردد.

ماده ۱۳۱ - هرگونه تغییر یا حذف اطلاعات، الحاق، تقدیم یا تأخیر تاریخ نسبت به تاریخ حقیقی و نظایر آن که به طور غیرمجاز توسط نظامیان در سیستم رایانه و نرم افزارهای مربوط صورت گیرد؛ و همچنین اقداماتی از قبیل تسلیم اطلاعات طبقه‌بندی شده رایانه ای به دشمن یا افرادی که صلاحیت دسترسی به آن اطلاعات را ندارند، افشای غیرمجاز اطلاعات، سرقت اشیای دارای ارزش اطلاعاتی مانند سی دی یا دیسکتهای حاوی اطلاعات یا معدوم کردن آنها یا سوء استفاده‌های مالی که نظامیان به وسیله رایانه مرتکب

شوند، جرم محسوب و حسب مورد مشمول مجازاتهای مندرج در مواد مربوط به این قانون می‌باشند.

ماده ۱۳۲- در کلیه مواردی که در اثر ارتکاب جرم، خسارتی وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون به جبران خسارت وارده و حسب مورد به ردّ عین یا مال یا پرداخت مثل یا قیمت و اجرت المثل نیز محکوم می‌گردد. رسیدگی در این گونه موارد در دادگاههای نظامی نیاز به تقدیم دادخواست ندارد.

نکته:

نظر به عبارت آخر ماده مزبور، این اشکال وجود دارد که اگر اشخاص غیرنظامی مطالبه خسارت نمایند، به دلیل عدم نیاز به تقدیم دادخواست، ضرر و زیان متوجه دولت خواهد شد، مگر اینکه قایل شویم این ماده صرفاً ناظر بر اموال نظامی است و اموال و خسارت اشخاص عادی تابع مقررات مربوط به خود خواهد بود.

ماده ۱۳۳- در هریک از جرایم موضوع این قانون، در صورتی که موضوع یا جرم ارتكابی و میزان تأثیر آن مشخص نباشد، دادگاه موظف است موضوع را به کارشناس یا هیأت کارشناسی ارجاع و نظر آنان را کسب نماید.

تبصره- نحوه تشخیص نیاز به نظر هیأت یاد شده یا کارشناس، ارجاع، بررسی و اعلام نظر هیأت مذکور و یا کارشناس و تعداد و ترکیب هیأت‌های کارشناسی، به موجب دستورالعملی که توسط ستاد کل نیروهای مسلح و با همکاری و هماهنگی سازمان قضایی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد، مشخص خواهد شد.

نکته:

۱- منظور قانونگذار از عبارت «موضوع یا جرم ارتكابی» معلوم نیست، شاید لفظ «موضوع» برای مواردی است که در جرم بودن یا نبودن عمل و مسائل علمی حاشیه‌ای مربوط به نحوه ارتكاب، شرایط خاص فیزیکی - روانی و زیستی جرم و امثال آنها تردید باشد و لفظ «جرم ارتكابی» برای موارد تردید در نوع جرم ارتكابی می‌باشد، مانند آن‌که قتلی که صورت گرفته عمدی یا غیرعمدی است، تیراندازی مطابق مقررات یا برخلاف مقررات بوده است.

۲- تفکیکی که ماده ۱۳۳ بین موضوع و جرم ارتكابی قائل شده چندان دقیق و گویا نیست و ظاهراً منظور لزوم اخذ نظریه کارشناسی در مواردی بوده که اتخاذ تصمیم قضایی بدون آن ممکن نیست مانند تعیین میزان اموال اختلاس شده، تشخیص اموال نظامی از اموال غیرنظامی، اخذ نظریه کاردان فنی یا کارشناس تصادفات در اصل تقصیر و حدود آن، اخذ نظریه پزشکی قانونی برای تعیین نوع جراحت یا میزان ارش و نظایر اینها.

ماده ۱۳۴- هرگاه در اثر وقوع بزه‌ی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاههای نظامی است، خسارت یا زیان مالی متوجه نیروهای مسلح شده باشد، دادستان نظامی با تعقیب موضوع از لحاظ جنبه عمومی از حیث دریافت خسارات در دادگاه، سمت نمایندگی نیروهای مسلح را دارا خواهد بود.

ماده ۱۳۵- مقررات مرور زمان و مواعید آن در مراجع قضایی نظامی، همانند مقررات مربوط در مراجع قضایی عمومی می‌باشد.

با توجه به ارجاع مرور زمان به مقررات مربوط در مراجع قضایی عمومی و از آنجا که طبق مقررات آ.د.ع.ا، در امور کیفری،^{۳۹} مرور زمان شامل مجازات‌های بازدارنده می‌باشد؛ درباره

^{۳۹} - ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸:

ماده ۱۷۳ - در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعید مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعید مذکور به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد.

تعریف مجازات‌های بازدارنده و تفاوت آنها با مجازات‌های تعزیری باید گفت، این مجازات‌ها در ماده (۱۷) ق.م.ا،^{۴۰} و رأی وحدت رویه ۵۹۰-۱۳۷۲/۱۱/۵^{۴۱} و سه نظریه جداگانه اداره حقوقی^{۴۲} تبیین شده است. و از جمع‌بندی مجموع این دیدگاه‌ها چنین برمی‌آید که همه انواع مجازات‌ها، اعم از محرومیت از حقوق اجتماعی، حبس، شلاق، موارد مندرج در ماده (۶۲) مکرر ق.م.ا، تبعید، اقامت یا منع اقامت در نقطه معین، جزای نقدی و امثال آنها، دارای عنوان مجازات بازدارنده هستند و تنها مجازات‌هایی مانند رجم، شلاق حدی و سایر مجازات‌های حدی از شمول این عنوان خارج هستند. اما با توجه به نص ماده (۱۷) و دیدگاه غالب حقوقدانان و شرایط اجتماعی، ورود واژه «مجازات‌های بازدارنده» به قوانین کیفری ما باید گفت، فارغ از این که مصداق مجازات بازدارنده چیست، باید مبنای حکم به این مجازات‌ها

الف - حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال با انقضاء مدت ده سال.

ب - حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضاء مدت پنج سال.

ج - مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضاء مدت سه سال.

تبصره - در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود.

۴۰ - ماده (۱۷) ق.م.ا، **مجازات بازدارنده**، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.

۴۱ - رأی وحدت رویه ۵۹۰-۱۳۷۲/۱۱/۵: مجازات‌های بازدارنده مذکور در ماده (۱۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال می‌شود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین شده و تعیین مجازات تعزیری مقرر در قانون برای تنبیه و تنبه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می‌تواند برطبق ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مجازات بازدارنده را هم به عنوان متمم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حداکثر مجازات تعزیری مانع تعیین مجازات بازدارنده نمی‌باشد.

۴۲ - الف - نظریه ۷/۳۹۳۹-۱۳۸۰/۶/۳۱.ح.ق: با عنایت به تعریف مجازات‌های تعزیری و بازدارنده در ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۰، منظور مقنن از جمله «مانند آن» در آخر ماده (۱۷) مزبور، هر مجازاتی است که قانونگذار - حکومت به معنی اعم - برای حفظ نظم و مصلحت اجتماعی با ذکر نوع و میزان آن در قانون تعیین کرده بدون اینکه آن مجازات در فقه یا شرع آمده باشد. مانند مجازات شلاق - غیر از حد - که مثلاً در کتاب پنجم ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۵ مکرراً مقرر شده، ولی در زمره مجازات‌های موضوع ماده (۱۷) ذکر نشده در حالی که در تبصره ۳ ماده (۱۷۳) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ به عنوان مجازات بازدارنده تصریح شده است همچنین مجازات تبدیلی «قطع خدمات عمومی» موضوع ماده (۷۲۸) ق.م.ا، ۱۳۷۵. با توجه به مراتب مزبور «ارثه خدمات» نمی‌تواند در زمره مجازات‌های بازدارنده و از مصادیق جمله مانند آن آخر ماده (۱۷) موصوف باشد مگر اینکه مقنن آن را تصویب کند مضافاً به اینکه کار اجباری، مخالف مقررات کنوانسیون سازمان ملل متحد که ایران هم آن را پذیرفته است - می‌باشد.

ب - **نظریه ۷/۱۱۷۱-۱۳۷۵/۳/۲.ح.ق:** مجازات‌های مذکور در ق.م.م.ا، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و جزای نقدی مجازات بازدارنده است.

ج - **نظریه ۷/۸۰۱۳-۱۳۷۵/۱۱/۳.اداره کل حقوقی:** ۱- با توجه به تعریف مجازات بازدارنده در ماده (۱۷) ق.م.ا، (مصوب ۱۳۷۰) تمام مجازات‌های مذکور در کتاب پنجم از ق.م.ا، (مصوب ۱۳۷۵) که نوع و میزان آن در قانون مشخص شده است و برای حفظ نظم و مصلحت اجتماعی اعمال می‌شود، مجازات بازدارنده است و می‌تواند مشمول مقررات و مرور زمان آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ شود.

۲ - با عنایت به تعریف تعزیرات شرعی در تبصره یک ماده (۲) ق.ا.ئ.ک، ۱۳۷۸ و تعریف مجازات بازدارنده در ماده (۱۷) ق.م.ا، می‌توان گفت بین اصطلاحات «تعزیر» و «مجازات بازدارنده» رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، بیان دیگر اصطلاح تعزیر، شامل مجازات بازدارنده هم می‌شود لیکن اصطلاح مجازات بازدارنده، شامل تعزیرات شرعی نیست.

مورد توجه قرار گیرد، که در ماده (۱۷) مجازات‌های بازدارنده را مجازاتی دانسته که مبنای آن تخلف از احکام حکومتی است؛ یعنی، احکامی که اولاً و بالذات از دیدگاه شارع مقدس مباح یا مکروه هستند، ولی بنابه مصالح جامعه عنوان «جرم» به خود می‌گیرند. تفاوت اصلی مجازات‌های بازدارنده با مجازات‌های تعزیری در این است که مجازات‌های تعزیری شرعی تماماً در قبال ارتکاب اعمالی هستند که شرعاً حرام می‌باشد؛ اما شارع مقدس برای آنها مجازات معینی تعیین نکرده و تعیین نوع و میزان مجازات را به حکومت واگذار کرده است. از نظر اغلب فقها و حقوقدانان معاصر، تعزیرات به دو بخش شرعی و حکومتی تقسیم می‌شوند و تعزیرات حکومتی معادل مجازات‌های بازدارنده می‌باشند.

۲- نظر مشورتی شماره ۷/۵۷۴ - ۸۳/۲/۱۷ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه :

اولاً: با تصویب ماده (۱۳۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی، رأی وحدت رویه شماره ۶۵۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور منتفی شده است و مواعد مرورزمان مذکور در ماده (۱۷۳) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، در مراجع قضایی نظامی نیز قابل استناد است.

ثانیاً: بزه فرار از خدمت، از جرایم مستمر محسوب می‌شود و در مورد استعلام، چنانچه پرسنل فراری کادر نیروهای مسلح به لحاظ گذشت شش ماه از آغاز فرار اخراج شوند، چون در صورت معرفی نیز می‌توانند شروع به کار نمایند، صدور حکم اخراج موجب قطع استمرار بزه فرار از خدمت شده و از تاریخ صدور حکم اخراج، مرور زمان در مورد آنان قابل اعمال است و در صورت معرفی و یا دستگیری صرفاً به مجازات مقرر از تاریخ شروع فرار لغایت تاریخ صدور حکم اخراج محکوم خواهند شد.

=====

ماده ۱۳۶ - هرگاه جرم ارتكابی كاركنان نیروهای مسلح جنبه تخلف انضباطی نیز داشته باشد، رسیدگی به تخلف از نظر انضباطی توسط فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح انجام می‌شود و این موضوع مانع رسیدگی به جرم در مرجع قضایی نخواهد بود و فرماندهان مكلفند مراتب وقوع جرم را به مرجع قضایی اعلام نمایند.

ماده ۱۳۷ - با تصویب این قانون، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح - مصوب ۱۸/۵/۱۳۷۱ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۱/۸/۱۳۷۶ تمدید شده است - و قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۴/۱۰/۱۳۱۸ و کلیه قوانین مغایر با این قانون، ملغی می‌باشد.